

سال دوم تیرماه ۱۳۶۴ - تک شماره معادل یک دلار

سرمقاله

کردستان: پایگاه مقاومت یا جنگ داخلی؟

□ اگر سازمانهای انقلابی خلق کردند نتوانند تجلی متشکل اراده مستقل توده ها گردند زحمت کشان انقلابی کردستان که خود نخستین قربانیان جنگ داخلی اند، باید که با حضور فعال و تعیین کننده خویش سنگرهای نبرد را از کوه و خیا با آنها شان برگزیند و به مرزها بکشانند. مرزهایی که از شش سال پیش دیکتاتور استعماری حاکم با خون زحمتکشان و انقلابیون کُرد حفر نموده است.

در صفحه ۷

بروز روز افزون تضادهای درونی رژیم

□ شناخت درست از ماهیت اساسی جناحی‌های درونی حاکمیت تنها در پرتو معرفت به منشاء و تکامل شکل گیری آنها، امکان پذیر است در آستانه انقلاب بهمین جنبش مترقی، مذهبی در یک مقطع در وضعیت بسیار نامطلوبی به سر میبرد. فاصله سالهای ۵۴ - ۵۶، اوج تشتت و پراکندگی، سرکوب و یاس بود. کودتای اپورتنیستی درون سازمان مجاهدین خلق، هر چند شکل گیری عکس العملی و زود رس جریان راست ارتجاعی رادری داشت، در همان حال خود ضربه بیدار کننده‌ای بر وجدان جنبش مذهبی وارد ساخت، گمراهی مهمترین پیامدش، همان پیدایش زمینه یک "وحدت صوری" برای بسیج مبارزاتی نیروهای "اسلامی" بود. این زمینه موجب اصلی تحقیق شعار "همه با من" یا "وحدت کلمه" خمینی شد. خمینی از همان روز نخست با انبوه تضادهای "درونی" مواجه بود، که با پیگیری سیاست تمیزاسیون (دره - دره کردن) یا تفرقه اندازی و سپس ایجاد وحدت با همزونی خود، یکی یکی آنها را حل کرد و حاکم شد. بقیه در صفحه ۲

اوپک:

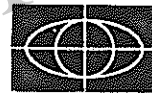
از اوج تا افول

(۳)

□ در مقاله پیشین پیرامون اوپک، به علل افول و کاهش نفوذ اوپک پرداختیم و چگونه تشدید تضادهای درونی این سازمان اضافه تولید و انباشته شدن ذخائر کشورهای مصرف کننده، به ویژه رشد تولید کشورهای صادر کننده نفت که خارج از اوپک قرار دارند و گسترش بازار آزاد در طی ده سال اخیر و... دست به دست یکدیگر... سازمان کشورهای صادر کننده نفت را در موضعی کاملاً دفاعی قرار دادند

بقیه در صفحه ۴

نقد خبری



- * اعتراف به نبودن قانون مطبوعات
 - * رژیم و طرفداری از حقوق بشر
 - * تجارت خارجی
 - * درگیری‌ها در شیراز
 - * پشت‌ها به کشتار فلسطین
- در صفحه ۸

مؤنشا

«جبهه» نام متحد ارتجاع؟!؟

□ امروزه، یک اصل اساسی در جنبش ما تثبیت شده است و طبیعتاً مورد باور همگی و آن اینست که تنها و تنها از طریق نقد و بررسی خلاق، صمیمی و آگاهانه به نقصها، انحرافات و فرصت طلبیها در صفوف مبارزه است که جنبش تعمیق و صیقل یافته و مسیر مثبت خویش را طی خواهد کرد.

از اینرو این استدلال که نقد و بررسی نیروهای درون خلق، آب به آسباب دشمن ریختن است و در نتیجه تخطئه هرگونه انتقاد صحیح و سازنده - ورشکستگی خود را نشان داده است چرا که تضمین بقای یک

بقیه در صفحه ۱۰

ستون ویژه پیروان راه معلم

- * تاکتیکهای متنوع خط مشی آگاهی
 - * اخبار از کانال جنبش
 - * (بنقل از نشریه خروش موحد)
 - * بررسی کوتاهی پیرامون تولید ملی و واردات در اقتصاد ایران
- در صفحه ۱۲

بقیه از صفحه ۱

سیاری از نیروهای سیاسی "کهنه کار و مجرب جامعه ما هم، اعم از راست "لیبرال" و "چپ" اپورتنیست، به جای اصلی - فرعی کردن تضادها و حل مسائل فیما بین و متشکل شدن در برابر رشد بالنده ارتجاع، با تاخیر به یکدیگر برای تقرب هرچه بیشتر به مرکز قدرت عملاً به "خوش رقصی" پرداختند.

در آستانه انقلاب خمینی در برابر خیل نیروهای نامتجانس قرار داشت و حتی نیروهای خاص خودی او هم از حداقل هماهنگی برخوردار نبودند: در میان لیبرالها: تضاد بازرگان - سنجایی، تضاد بنی صدر - نهضت آزادی خارج - تضاد نهضت آزادی داخل - جاما و... در میان مارکسیستهای "خط یک": توده‌ایها - مائوئیستها - تروتسکیستها و... در میان نیروهای مترقی - مذهبی: تضادهای درونی مجاهدین - امتیها - خط شریعتیها و... و در بین نیروهای مرتجع مذهبی تضاد خمینی با مراجع تقلید و حجتیه و تضادهای درونی خمینیستها، که بعدها به صورت فراکسیونهای بهشتی، مطهری، رفسنجانی و... و... پدیدار گردیدند.

خمینی در آغاز از لیبرالهای مذهبی در برابر بختیار استفاده کرد (انقلاب اول)، پس از گروگانگیری با کمکگیری از چپ اپورتنیست جناح قنطاری را مرخص ساخت (انقلاب دوم) و سپس از ۳۰ خرداد و تکیا به شدن رژیم (حذف بنی صدر با "چپ و راست" جنگی خدا حافظی کرد (انقلاب سوم) و از آن هنگام تا کنون مشغول تصفیه درونی است (از راست با مراجع و شریعتمداری و حجتیه و نهضت آزادی و از چپ با تسوده - اکثریت و امت و میثمی و...).

در شرایط کنونی، جانشین سازی برای بسی از مرگ خمینی در صدر برنامه‌های رژیم برای آینده است، چرا که در غیاب "رهبری" تمام جناحها و تضادها، مجدداً به شدت فعال شده به

اختلافات درونی، سرمنشأ سه اصل: "تثبیتنا پذیری"، "استحاله نا پذیری" رژیم و "جانشیننا پذیری" خمینی در دیکتاتوری استحمارتی حاکم است که از تضاد میان دو گرایش: چرخش بسوی احیاء کامل کمیرادوریسم و مقاومت پایه‌های رژیم در برابر آن سرچشمه میگردد.

زوال و سقوط قطعی آن منجر میگردد دوامادر میان انبوه چالشها و کشمکشهای درونی حاکمیت وجه اصلی تضاد چیست و عمده ترین جناحها کدامند؟ وجه اصلی تضاد درونی رژیم فقها که آنرا مشخصاً بدو جناح "خط امام" و "تحت نظام" تقسیم میکند، تضاد پاسخهای "ولایت فقیه خمینیستی" در همه ابعاد کلمه، با راه‌حلهای "اسلام فقه‌هنگی" کلاسیک روحانیت و بورژوازی تجاری، به بن بستهای رژیم است. چنانکه میدانیم، از میان خیل وسیع روحانیون و دولتمردان حاکم، تنها اقلیتی به معنای خاص و از قدیم "خمینی‌گرا" بوده‌اند و مابقی بعدها با فرصت طلبانه به آن پیوستند و با نظام بر آنها تحمیل شده است. مراجع تقلید، حجتیه، جناحی از شورای نگهبان، اکثریت وکلای کنونی مجلس، بازار، نهادهای نظام سابق (ارتش و ادارات... بورژوازی کمیرادوریست روستاها بطور عمومی (اعم از فئودالها و کشاورز

(ان) و نیز خرده بورژوازی و کارگران و زحمت کشان و اقلیتهای ملی - مذهبی نوآرمرسوزی کشور و بالاخره اپوزیسیون سیاسی، هیچکدام تحت هژمونی رژیم و حزب نیستند و از همه سو آنها محاصره کرده و در کمین مرگ خمینی نشسته اند. بازتاب این تضادهای بیرونی در درون رژیم، آنها حامل بار سنگینی از جناحها و تضادها، میسازد. بیشک، منتظری به هیچ وجه توان جاننشینی فرضی خمینی را ندارد، چرا که حتی خط "امامیها" هم او را "سیخط" تر از آنمی دانند، که توان و صلاحیت حل مسائل را در این مقام داشته باشد. از اینجا، کشمکش روحانیت با حزب بر سر "شورایی کردن" منصب "ولی فقیه" از هم اکنون آغاز شده است.

از سی خرداد به این سو، که رژیم به سمت "نظام تک حزبی" پیش میرفت، حزب جمهوری از یک سو با از دست دادن بسیاری از کادرها (هفت تیر) و از سوی دیگر با جذب انبوه محافل و جناحهای حاشیهای، به معدن فراکسیونها و ناندبازیها تبدیل شده است. در رهبری حزب، رفسنجانی که عملاً بعنوان جانشین بهشتی و مورد شماره دو رژیم پس از خمینی به شمار می آید و به عنوان "کادر همه جانبه" آن سعی میکند در پائینها - سپاه، مجلس، حزب الله - نفوذ خود را حفظ کند و هم بر کار بالایشها - روحانیت بازار، دولت - کنترل و دخالت موثر کند، رقابت خانهای و جناحی را برمی انگیزد. انحلال "مجاهدین انقلاب اسلامی"، کنار نه گری بهزاد نبوی، تعطیل روزنامه "آزادگان"، تظاهر ات موتوریزه حزب الله ضد "بدحجابی" و "گروهکها" نماشگر تضاد بالایشها - پائینها و عرض اندام پایه‌های رژیم در برابر آنست.

همچنانکه نامه ۴۰ تن از مدرسین حوزة علیه دولت به خمینی و سخنرانی وی در حمایت از دولت موسوی و منتقلا، منتهم شدن سرمایه داران حامی رژیم به تحریک حزب الله، از سوی دولت و مطبوعات نشانگر فشار از پائین به بالا برای امتیاز دادن هر چه بیشتر به "جناح سوپر راست" میباشد. درگیریهای شیراز و کشته شدن تعدادی از طرفین دعوا (طرفداران امام جمعه و حزب الله)، نمونه دیگری از همین تنشهاست. دیکتاتوری استحمارتی حاکم، که با گذشت زمان، از لحاظ اقتصادی، هرچه بیشتر بسوی احیای نظام کمیرادوری سابق و وابستگی به سیستم جهانی سرمایه و سازش سرمایه داری "تجاری و صنعتی" و تاراج سرسام آور نفت پیش میرود، از نظر سیاسی نیز محتاج به یک "هیئت حاکمه" متنا سبقر و یاسخگو به این ضرورت است.

"انتخابات" ریاست جمهوری، فرصت مناسبی برای "ترمیم کابینه" در این راستا است. مخرج مشترک تمام باند های سپاه و جناحهای درونی رژیم، همان سرکوب مغول و اپوزیسیون مترقی و انقلابی است. کسی از "موج اعدا مه های اخیر" و مقابله "موتوریزه" سگان زنجیری علیه مردم، شکایتی ندارد، اختلاف نظرات بعدی بر سر تصفیه حسابهای داخلی است.

اپوزیسیون مترقی - انقلابی، با لایح پیشگام موحد، قیامیست مسیر این تضادها را دقیقاً مطالعه و دنبال کند، تشدید و تعمیق وجهت بخشد و از آنها بنفع جنبش توده‌ها بهره گیرد. چرا که در شرایط کنونی "اختلاف فقهاء امت (بالواقع) بهترین

بخاطر جلوگیری از رشد قیمت نفت و کشاندن اوپک به تسلیم کامل در مقابل بازار و جنگ قیمت‌ها، که البته اوپک تا این لحظه تلاش نسبتاً ناموفقی برای جلوگیری از این تهاجم داشته است.

این را نیز باید گفت که غیر از این علل مصنوعی کاهش تقاضا که گفتیم فرار سیدن تابستان نیز سهم نسبتاً مهمی در بی رونق نمودن بازار دارد. اما همینطور که در گفتار پیشین اشاره نمودیم فرآورده‌های نفتی به علت ارزانتر بودن از خود نفت خردار بیشتری دارد و اگر همه آنها افزایش حجم تولید مایعات گازی و افزایش فروش گاز طبیعی و سرازیر نمودن آن توسط خود کشورهای نفتی در بازار را نیز اضافه کنیم، متوجه میشویم که بازار نفت خام دلایل زیادی برای تحت فشار قرار گرفتن و کاهشها دارد.

ب- پیامدهای ناشی از افت بهای نفت

امپریالیستهای جهانی، بویژه امپریالیزم آمریکا، چه در گذشته و چه در حال حاضر تحت شعار لیبرالیزم و آزادی، تلاش گسترده‌ای را برای برهم ریختن هرچه که بوی مقررات، تنظیم و تثبیت بازار در روابط بازرگانی شمال و جنوب بدهد، به پیش میبرد.

آمریکا، هم گام با کانادا، تنها برای برپایی مقررات و تثبیت قیمت‌گندم موافق هستند چرا که در این زمینه این دو کشور، جایگاه بالایی در تولید دارند. خارج از گندم هرگونه "تحت مقررات در آوردن" و تعیین قیمتوا "داخلت دولتها" در آزادی تجاری دانسته و مهربار کسیت بودن را بر آن میکوبد. گو اینکه همه کارشنان سان میدانند که در تجارت بین الملل خودروسها بهترین تجار جهان هستند و میبینیم که در رابطه با نفت روسیه و چین در کنار انگلیس، نروژ، مکزیک، آمریکا و مصر... از کشورهایی هستند که خارج از چارچوب اوپک بوده و بهای نفت را - بویژه در ماههای اخیر - بدست بازار عرضه و تقاضای جهان و شناوری روزمره بازار گذاشته‌اند.

در هر صورت میخواستیم این را بگویم که کشاندن اوپک توسط امپریالیستها - به شرایطی که در آن اثری از تعیین قیمت نباشد و تنها بازار، حاکم بر تعیین بهای نفت باشد، اثر منفی آن، تنها برای نفت نخواهد بود و کاهش قیمت به دیگر محصولات کشاورزی و اولیه نیز که از جانب "جهان گرسنه"ی جنوب به طرف شمال میروند هم سرایت خواهد کرد. و با در نظر گرفتن اینکه تقریباً همه این کشورها تک محصولی هستند، باید منتظر کسری زیادی در تراز بازرگانی خارجی آنها بود. بنابراین نتیجه افت قیمت‌ها، تعطیل پروژه‌های عمرانی در جهان جنوب و افزایش میزان گرسنگی آشکار و پنهان میباشد و مضاف بر آن این کشورها که اغلب به بانکهای جهانی و صندوق بین الملل پول و بانکهای اروپا بدهی دارند، نخواهند توانست بدهی‌های خود را بپردازند.

تلاش کشورهای امپریالیستی و صنعتی برای منفجر نمودن پیکره استهلاک یافته اوپک بطور خاص و تداوم سیاست فئودالیزم شان دایر بر جلوگیری از تنظیم یافتن قیمت مواد اولیه

معدنی و کشاورزی در سطح جهان و در یک کلام عمیق تر شدن خندق بین "جهان گرسنه و سیر"، عبت بودن تلاش طرفداران حقوق بشر و حقوق توسعه را و ضرورت دفاع از حقوق خلقها را در رابطه شمال و جنوب به اثبات میرساند.

در واقع این پنبه را باید از گوش خارج نمود که میتوان از طریق مسالمت و پاسیفیسم استعمار نو را بر سر رحم آورد، تا قمرص نانی از خوان تکنولوژی، ثروت و دانش خود را به جهان استعمار شده جنوب انتقال دهد. این اصل یکبار دیگر لزوم حل تضاد دنیای گرسنه و سیر را از طریق مبارزات پیگیر و قهر آمیز جهت برپایی نظم نوینی در صحنه بین المللی مینمایاند.

کاهش قیمت نفت و به موازات آن افت دیگر محصولات اولیه و معدنی جهان گرسنه، کم کم رابطه شمال و جنوب را به طرف نوع جدیدتری از استعمار میکشاند. رابطه بازرگانی مشترک با کشورهای آسه - پ (آفریقا، کارائیب - پاسیفیک که در چارچوب پیمانهای لومه صورت میگیرد،

نمونه شاخص این استعمار و توسعه و عمومیت یافتن آن در صحنه جهانی میباشد. سیستمی که بر اساس آن یک یا چند کشور صنعتی در کنار یک قرارداد، جهان سوم خاص خود را بوجود می آورند، مواد اولیه و کشاورزی و معدنی اش را میگیرند و در عوض تداوم "نانی بخورونمیر" را برای این کشورها تضمین میکنند. فرمولی که احتمالاً در آسیای جنوب شرقی میان ژاپن و چند کشور آسیایی نیز تحقق خواهد یافت. ضررهای دیگری که کاهش بهای نفت به ویژه در کشورهای نفت خیز جنوب به دنبال دارد عبارت خواهد بود از افت سرمایه گذاریهای عمرانی و صنعتی و راکد ماندن پروسسه صادرات صنعتی غرب به سوی جنوب.

به عبارت دیگر، کاهش بهای نفت تجارت خارجی و صادرات کشورهای صنعتی و به ویژه استقرار بخش خصوصی این کشورها را در جهان جنوب با مخاطراتی روبرو خواهد نمود. ولی در عوض جریان سرمایه گذاریها، در زمینه خدمات (مانند ایجاد بانک، آژانسهای مسافری و بیمه...) توسعه خواهد یافت. پس با این حساب غرب صنعتی در این کشمکش چندان ضرری نمی بیند، چرا که اولاً در قبال پائین آمدن صادرات و محصولات مصنوعی به کشورهای نفت خیز، ارزش کمتری نیز برای دریافت نفت میپردازد. دوماً با توسعه خدمات در رابطه با کشورهای گرسنه - کنه از اوایل دهه هفتاد روند رو به افزایشی را طی میکنند - گام بلندتری در چپاول خلقهای تحت ستم برمیدارد.

از جانب دیگر، کشورهای شمال با تکیه بر صنایع پیشرفته خود، انرژیهای دیگری را از هم اکنون جانشین نفت میکنند و وابستگی خود را به این ماده روز به روز پائین تر می آورند. بنابراین نظراتی که مبتنی هستند بر اینکه دامنه فتنه انگیزی غرب برای کاهش قیمت نفت غیر از جهان سوم، ضربات جبران ناپذیری نیز برای کشورهای توسعه یافته به همراه خواهد داشت، نوعی ساده نگری و نشناختن ماهیت صد درصد راسیونل عملکردهای امپریالیستها میباشد که به قول معروف "جایی نخواهند خوابید که

الف - نقطه نظر اعضا اوپک

در جریان اجلاس اخیر، نظرات گوناگونی تا این لحظه ارائه شده است: از جمله آنکه پیشنهاد شده بود که قیمت رسمی بالا برده شود و در عوض سقف تولید پائین آید و بدین ترتیب درآمدها ثابت بماند. ایده دیگر این بود که برعکس تولیدات بالا برده شود و قیمت نفت خام آزاد گذاشته شود که خود را با نرخ شناور که هر روز در بازار تعیین میشود هماهنگ سازد. نظر سومی که تاکید زیادی نیز از طرف الجزایر بر آن شده عبارت بود از "به نوسان انداختن سهمیه های هر کشور، به تناسب فصول گوناگون بدین ترتیب که در چارچوب یک سقف تولید شناور برای کل ۱۳ کشور اوپک سهمیه تولیدی هر کشور، به تناسب فصول گوناگون تغییر یابد. بطور مثال اگر سقف تولید رسمی ۱۶ میلیون بشکه در روز باشد اما مثلاً در جریان تابستان از این سقف تولید ۱۰٪ کاسته شود ۱۳ عضو نیز باید بنا بر تصمیم اوپک سهم تولید خود را پائین بیاورند تا این ده درصد کاهش تولید فصلی، بین آنها تقسیم شود در عوض هنگام پائیز و فصل از سرگیری مصرف اوپک به اعضا اجازه خواهد داد که تولید را بالا ببرند.

نیجریه با سیستم "سقف تولید شناور" مخالفت میکند و معتقد است که دولت متبوعش اجازه کاهش تولید را نمیدهد. در رابطه با مسئله تقلب همانطور که در بالا بدان اشاره کردیم، همه کشورهای عضو اوپک تقلب میکنند، یعنی نه سقف تولید و نه قیمت رسمی را رعایت میکنند. بنا بر این طبیعی خواهد بود اگر با کنترل بر عملکردهای خود نیز مخالف باشند. به همین دلیل اغلب کنفرانس های اوپک در مورد یافتن یک مکانیزم کنترل و نظارت بر رعایت سهمیه، با شکست روبرو شده است. در این رابطه نیز پیشنهادی شده بود دایر بر ایجاد ارگانیزمی برای کنترل که در عین حال مسئول بازاریابی و تجاری نمودن تولید نفت اعضا و اوپک نیز باشد، حتی خودتوانند مستقیماً نفت بفروشند. اما با این پیشنهاد نیز برخی از کشورهای چون نیجریه مخالفت کردند چرا که به نظر کشور مذکور چنین ارگانیزمی ممکن است به حاکمیت دولت لطمه بزند. بنا بر این در اینجا یک مسئله قضایی مطرح است و اگر دقت کنیم، متوجه میشویم که اصلاً مسئله بد عمل نمودن اوپک پیش از آنکه علل اقتصادی داشته باشد، علل قضایی و تشکیلاتی دارد. به هر تقدیر، برای ایجاد ارگانیزمی با وظایف یاد شده - که بتواند خوب و مفید نیز عمل کند - لازم است قدرت و جایگاهی فرا ملیتی یا فوق ملی در نظر گرفت. یا به اصطلاح قانونی "اندکی از حاکمیت دولتهای عضو را بدان انتقال داد". اما این چیز است که در وضعیت کنونی، با در نظر گرفتن تفاوت فاحشی که در ماهیت دولتی عضو اوپک وجود دارد، غیر ممکن است. بنا بر این پیشنهاد اخیر نیز، از گردونه خارج شد.

تا این لحظه اعضا اوپک فقط بر سردو موضوع به تفاهم رسیده اند، اول اینکه قیمت ها را کمی کاهش دهند و دوم اینکه در اسرع بقیه در صفحه ۱۱

زیرشان آب برود".

بازتاب کاهش بهای نفت نتایج اسفناکی نیز برای مردم ایران خواهد داشت. رژیم جنگ طلب حاکم که تا کنون با نفت فروشی هرچه بیشتر و هرچه ارزانتر مخارج جنگ، تبلیغات بین الملل و ولخرجی های شیوخ، ماشین ضدگلوله نشین خود را تامین میکرده، از جندی پیش و به ویژه در آستانه هفتاد و چهارمین اجلاس اوپک در وین (ژوئیه ۱۹۸۵) اعلان نموده بود که کاهش درآمد نفت را از طریق بالا بردن مالیاتهای مستقیم و غیر مستقیم جبران خواهد نمود و همه میدانند که بالا بودن مالیاتها در نظامی که اقتصاد ناتوانش به نفس نفس افتاده، بسیار منفی و دهشتناک به حال مردم خواهد بود.

این که میگوئیم ایران نه تنها در چارچوب اوپک، بلکه در مقایسه با کشورهای غیر اوپک تولید کننده نفت نیز از همه ارزانتر نفت میفروخته، یک ادعا و انتقاد از طرف مخالفین نیست. به نقل از روزنامه "لاتریبونال" به تاریخ ۱۲ ژوئن ۱۹۸۵، ایران و عراق اخیراً قراردادهایی برای فروش نفت خام بستند، با قیمتهای بسیار نازل، یعنی ۲۵ دلار برای هر بشکه، و این در حالیست که در همین تاریخ نفت خام شمال از جانب انگلیس (که مشهور به ارزان فروشی و ایجاد فشار برای اوپک است)، به قیمت ۲۶/۶۵ دلار فروش میبرد.

غرضی وزیر نفت میگوید که در سال ۱۳۶۳ ایران ۱۷ میلیارد دلار از محل فروش نفت درآمد داشته است و این مبلغ ۱۵ درصد از رقم پیش بینی شده کمتر میباشد. (اطلاعات، ۱۵ خرداد) بنا بر این با در نظر گرفتن اینکه روزی روزی درآمد ناشی از فروش نفت نزول می یابد باید در آینده نزدیک منتظر سرکوب و اوگیری بیشتر ناراضیانی هم وطنان علیه دارودسته حاکم باشیم.

۳- کنفرانس وین

از دو هفته قبل از شروع هفتاد و چهارمین

اجلاس عادی اوپک، ۱۳ کشور عضو گروه آمی-هایی بطور غیر مستقیم برپا نمودند. هدف از برپایی این گروه آمی ایجاد یک برنامه شاخص برای جلوگیری از کاهش روزافزون بهای نفت بود. اما، گویا اعضا سازمان صادرکننده نفت به نتایج چشم گیری نائل نیامدند. گروه آمی رسمی وزرای نفت اوپک در شرایطی صورت گرفت که تعداد زیادی از تولید کنندگان نفت غیر اوپک چون روسیه - مصر - مکزیک - چین و انگلیس، قیمت نفت خود را پائین آورد، بطور کامل تعیین نرخ را رها و رشد یا کاهش آنها را به اختیار تلاطم بازار گذاشته بودند. از جانب دیگر مصرف کشورهای صنعتی عضو سازمان توسعه همکاری اقتصادی، نیز بمقدار ۳ درصد در سه ماهه دوم سال ۱۹۸۵، پائین آمده است.

در جریان کنفرانس نظرات متناقضی ارائه شد که نمیتوانست هم آرائی اعضا را به همراه بیاورد، حادثه دیگری که بیشتر جلب نظر مینمود بر خورد منفعلانه عربستان با مسائل گوناگون بود.

کردستان :

پایگاه مقاومت یا جنگ داخلی؟



تعمیق تضادهای سیاسی میان دو نیروی جبهه انقلاب، حزب دمکرات و کوموله، و تشدید درگیریهای نظامی به مثابه سیاست عملی حل این تضادها، ما را همچون کلیه جریانهای انقلابی، که درگیر مبارزه همه جانبه با تضاد و خطر اصلی یعنی دیکتاتوری استعماری حاکمند، به موضعگیری صریح و قاطع در برابر آن متعهد میکند. بخصوص که درگیریهای نظامی خود تنها، نتایج عینی جنگ گسترده تبلیغاتی است که از جانب این دو نیرو علیه یکدیگر برپا شده است و بالاخص نتیجه عملی اینهمه، یعنی ارتقاء تضاد - های درون جبهه انقلاب بسطح تضاد اصلی، و هم صف نمودن نیروی انقلابی با ضدانقلاب حاکم! آنچنانکه امروز حتی سخن از یک " تلفیق صحیح " ! میان " فعالیت نظامی " علیه رژیم ارتجاعی حاکم و " مقابله مسلحانه " علیه نیروی مقابل میروود. (۱) و این خود آغاز فاجعه است!

بی تردید درگیریهای نظامی میان ایندو جریان، ریشه در مواضع نادرستی دارد که از طرفی با تعمیق تعارضات سیاسی و تئوریزه نمودن آن در حد مبارزه طبقاتی میان " بورژوازی کرد " و " صف مستقل پرولتاریا " (از جانب کوموله) و از دیگر سو - با تعمیم درگیریهای پراکنده و متفرق به یک " درگیری عمومی در سراسر کردستان (از جانب حزب دمکرات) تشدید میشود و اعلام سیاست " پاسخ تعرض با تعرض " نیز این درگیریها را بدور بسته باطلی میکشاند که عملاً خروج از آن را بهای گزاف باید داد. بهاییکه از خون زحمتکشان انقلابی کرد پرداخته میشود.

از اینرو سست که سرنوشت این جنگ را بطور اصولی، نه تنها، پادرمیانی گروه های سیاسی و نه مصالحه بعید طرفین (۲) بلکه نهایتاً مداخله فعال توده های رقم میزند که خود پایه های حیات و حرکت ایندو جریانند، چه، اگر سازمانهای انقلابی خلق کرد، نتوانند تجلی متشکل اراده مستقل توده ها گردند، زحمتکشان انقلابی کردستان که خود نخستین قربانیان جنگ داخلی اند، باید که با حضور فعال و تعیین کنند - خویش، سنگر - های نبرد را از کوچه و خیابانهاشان بگیرند و به مرزها بکشانند. مرزهاییکه شش سال پیش دیکتاتوری استعماری حاکم با خون زحمتکشان و انقلابیون کرد حفر نمود.

با اعتقاد ما امروز وظیفه کلیه نیروهای انقلابی منجمله حزب دمکرات و کوموله، پیش از آنکه تحقیق برای تشخیص صحت استدلالات این یا آن نیرو برای آغاز یا ادامه مقابله مسلحانه با یکدیگر باشدویا به تسلسل باطل " پاسخ تعرض با تعرض " افتادن، تلاش برای محکومیت خط عینی و سیاست عملی ای است که از کلیه این استدلالات منتج میشود و آن اتخاذ شیوه قهرآمیز برای حل تضادهای درون جبهه انقلاب است. چه این نه نفس وجود تضادهای سیاسی و حتی طرح و تبلیغ آن است که مبارزه را از جهت اصلی خویش منحرف میسازد بلکه اتخاذ شیوه های غیراصولی است که برای حل این تضادها بکار گرفته میشود. در این مسیر اولین گام اعلام آتش بس، تنها با شرط تضمین عدم تکرار چنین فجایعی از جانب دو نیرو و آغاز مذاکراتی است تا کیفیت روابط میان سازمانهای انقلابی

تفسیر خبری

دروغ خمینی

در کشورهای به اصطلاح سوسیالیست، مرسوم است که هرگاه می‌خواهند فردی را از پست‌های بالای رهبریت کنار بگذارند او را مریض اعلام میکنند و بعد بلافاصله "استعفا"ی او را منتشر مینمایند. در این کشورها صحنه سازی‌ها، بطور هماهنگ انجام شده و همه به اصطلاح یک زبان می‌گویند "بله فلان شخصیت استعفا داد". اما در نظام خمینی که غیر از توتالیتار - ریزم و یکپارچه گرای، گاه از ویژه

گی‌های آنارشیستی نیز برخوردار است این مسائل به شکل دیگری طرح میشود، بطور مثال روزنامه‌های رژیم اعلام میکنند که آقای صانعی دادستان کل کشور "بعلت متراکم بودن کارها و خستگی استعفا دادند" اما فردای آن شب خمینی در دیدار با رئیس دیوان عالی و دادستان جدید موسوی خوئینی‌ها، میگوید "صلاح دیدم که بجای آقای صانعی برای چنین منصب بزرگی آقای خوئینی‌ها باشند که از جهت علمی مورد تأیید و از نظر تعهد خودایشان را میشناسم".

به عبارت روشنتر آقای صانعی صلاحیت چندانی در جلب بردن چنین منصب بزرگی از خود ارائه نداده و از جهت علمی نیز مورد تایید خمینی نبوده - اند.

اعلام "استعفا"ی مذبورو و سخنان خمینی نشان میدهند که در واقع استعفایی در میان نبوده، بلکه مسئله یک کنار گذاشتن ساده و آنهم به علت تضادهایی است که در هیئت حاکمه وجود دارد. در هر صورت این حادثه ما را یاد جمله‌ای از نشریه فکاهی توفیق انداخت که در گذشته و بعد از کشته شدن غلامرضا تختی نوشته بود: "غلامرضا تختی را خودکشی کردند".

تجارت خارجی

در وضعیت کنونی، روابط اقتصادی تجاری ارتجاع حاکم یا کشورهای دیگر، در وضعیت اسفناکی قرار دارد، بطوریکه حتی کشورهای توسعه نیافته - ای چون سوریه نیز به ایران کلای ساخته شده مانند محصولات غذایی - منسوجات، شیشه، ترانس کود شیمیایی و حتی سیمان صادر مینمایند. و در عوض جمهوری کشتار هر ساله مقدار م تنابهی نفت (غیر از آن مقداری که مجانا و جهت خرید سیاست خارجی سوریه به این کشور میدهد) به دمشق میدهد. غیر از سوریه، ایران از پاکستان و تایلند نیز برنج منسوجات پارچه‌ای، ذرت و نشاسته میخرد و در مقابل آن، همانطور که درست حدس زدید - این کشور از ایران نفت دریافت میدارند (اطلاعات ۲۹ خرداد ۶۴)

بد نیست که دانسته شود که بنا بر گزارش اداره خزانهداری ترکیه، تجارت خارجی این کشور با ایران در طول سه ماهه اول سال جاری مسیحی، معادل چهار درصد نسبت به ماههای مشابه سال گذشته افزایش نشان میدهد این را می‌گویند سیاست عدم وابستگی! برخی نیز معتقد هستند که این نفت‌فروشی و خرید از کشورهای جنوب کره ارض تجلی ماهیت انقلابی رژیم حاکم میباشد که تنها قصدش تحقق و توسعه مبادلات تجاری جنوب یا جنوب" میباشد! آخر مگر ممکن است که رژیمی بعد از ۶ سال شعار دادن در زمینه خودکفایی کشاورزی و کسب فوری صنعتی، هنوز در فاز صادر نمودن نفت و برکه خشک و سنگ معدنی به این طرف و آن طرف باشد!

رژیم و طرفداری از حقوق بشر:

تابه حال هر بار که حقوق بشر از جمهوری کشتار میخواست که حقوق بشر را رعایت کند، رژیم میگفت "ما اصولاً حقوق انسانی و بشری را قبول نداریم و نداریم (معتقدیم به حقوق الهی هستیم) و اصولاً این دست‌بریدنها، تجاوز به دختران باکره قبل از اعدام و شلاق زدن آنها، نه تنها شکنجه نیست که جزو لاینفک مبانی حقوقی ما است به قول خمینی "رحمت نیز هست".

وقتی به رژیم خمینی میگفتند که مقررات بین‌المللی را رعایت کن میگفت: مورد قبول ما نیست چرا که

قبل از آمدن ما به حکومت تدوین یافته. اما جالب اینجاست که اخیراً استبداد حاکم به اصطلاح راه دیپلماتی را پیش گرفته و یکبار به یاد اصول انسانی و اجرای مقررات بین‌المللی و عدم دخالت در سیاست کشور - های دیگر، بویژه کشور دوست و برادر عربستان و کویت (!) افتاده است. روزنامه‌های رژیم مینویسند "سفارت جمهوری اسلامی ایران در یادداشتی به دولت کویت، ضمن یادآوری - مقررات و قوانین بین‌المللی و اصول انسانی در مورد رفتار با ارتجاع خارجی، خواستار احترام به شرافت انسانی و رعایت حال اتباع کشورهای بیگانه و بویژه برادران مسلمان و هم‌سایه، تاکید کرده است.

مردم ایران خوب بخاطر دارند که چگونه رژیم حاکم بر ایران تا چندی پیش برای اعراب و رژیم‌های وابسته به امپریالیزم اطراف خلیج خنط و نشان میکشید و از موضع شیطنت‌های این کشورها را خواهیم داد.

حال دیگر دولت در سیاست خارجی گامی فراتر از دیپلماتیک عمل نمودن برداشته و به در پیوزگی افتاده و برای کوچک‌ترین سوء تفاهمی از امیر کویت معذرت خواهی میکند و با کمال احترام و التماس از وزیر خارجه عربستان دعوت به عمل آورد که به ایران مشرف شوند.

در تداوم همین سیاست، ولایتی نیز در مصاحبه‌ای با مجله عربی زبان العالم میگوید "محور اساسی سیاست خارجی جمهوری اسلامی، در روابط با کشورهای دیگر، عدم مداخله در امور داخلی، عدم توسل به سیاست‌های سلطه جویانه و برتری طلبی (۱) و ایجاد روابط انسانی و عادلانه و بر اساس احترام متقابل و حقوق برابر است.

و حتی به نقل از روزنامه "دنیای نو" یومیوری شیمون "رفسنجام نی در مسافرت اخیر که با ولایتی به ژاپن داشته از مقامات ژاپنی خواسته است که در ملاقاتهای خود با مقامات کشورهای عربی حوزه خلیج فارس پادرمیانی کرده، علاقه ایران به همزیستی با این کشورها را قید نمایند.

ما این عقب نشینی‌های ارتجاع حاکمه را در سیاست

خارجی طلایه‌های افول رورافزون جمهوری کشتار دانسته و آنرا به تمامی مردم ایران و بسه ویژه زحمتکشان و خانواد ه شهدا و میلیون‌ها آواره در داخل و خارج از کشور تبریک میگوئیم.

⑤ درگیریهای شیراز

بدنبال درگیریهای شدید یکی دوهفته اخیر در شیراز که بین دو دسته از روحانیت حاکم صورت پذیرفته، دههاتن کشته و صدها تن زخمی شدند. در رابطه با همین حادثه حاج سید محمد دستغیب همراه با گروهی پیش منظری رفتند. در این شرف یابی "فرد مزبور، طی حرفهایی که زد، خود و دارودسته اش را در شیراز مطیع بلاشرط خمینی اعلام نمود و آمادگی کامل آخوندی طرفدار خود برای دعوت مردم این شهر" به حفظ وحدت کلمه و عمل به آنچه مقام معظم رهبری نسبت به خواستهای فشار متوسط حزب الله شیراز ملاحظه دیده اند" را به اطلاع منظری رساند.

وی نیز حرفهایی، جهت رهنمود ارائه داد و گفت "اختلاف نظرها نباید به وحدت کلمه و یکپارچگی مردم ضربه بزند". به بیان گویاتر، طرفداران ارتجاع باید عاقل باشند و یکپارچگی را حفظ کنند و به حماقتها و زدو خورد های کادر رهبری توجه نکنند. البته در جریان زدو خورد هسا اگر وحدت در بین "اقلیت چماتی دار- موتورسوار" وجود نداشت، یکپارچگی مردم کاملاً نمایان بود. چرا که در تمام مدت درگیری و زدو خورد، مردم شیراز، یکپارچه از دروینجره و پیاده روها، ضمن نگاه کردن فعالین ارتجاع، پوزخند میزدند!

⑥ اعتراف به نبودن قانون مطبوعات

موسوی نخست وزیر اعلان نمود که در ایران، قانون مطبوعات وجود ندارد. (اطلاعات ۱۷ تیرماه ۱۳۶۴) وی تاکید نمود که این مطبوعات هستند که باید جایگاه خود را تعیین کنند. موسوی اخیراً، نیز گفته بود که بندرت میتوان کشورها بی "قوای مجریه تلاش نکنند تا از رشد مطبوعات جلوگیری کنند!"

در صورتیکه در جمهوری کشتار، منهای خمینی، قوه مجریه یک "لولوی سرخرمن" پیش نیست و دیکتاتوری جای دیگری

است. در برخی از کشورها مطبوعات دارای آنچنان قدرتی هستند که عملاً یک سیستم قوای چهارگانه (به جای سه گانه) ایجاد نموده اند. اما در کشور ما بدبختانه - جز در مقاطع بسیار کوتاه - مطبوعات تحت اسارت حاکمیت بوده اند.

سخنان اخیر موسوی هم بدون شک از روی خیرخواهی و حسن نیت نیست و بیشتر شبیه به باد دادن به زیر بغل مطبوعات است برای مقابله با مجلس. البته تلاش ایشان بی ثمر است چرا که نه خودش اعتبار دارد و نه در مطبوعات توانی. ولی بعید به نظر نمیرسد که خمینی برای تقویت قوه مجریه، طرفین دعوی در مجریه و مقننه را بزودی در یک قالب قرار دهد.

⑦ سیاست ضد مردمی پست و تلفن

ژاک شوالیه، یکی از نظریه پردازان سرمایه داری غرب سه سال پیش، بنابر سفارش مکزاندو وزیر پست و تلگراف و تلفن دولت سوسیالیست میتران، به تهیه گزارشی پیرامون سیستم جدیدی برای آینده پست فرانسه پرداخت هدف از نوشتن این گزارش مشخصاً ارائه سیستمی بود که اولاً با قدرت گیری روزافزون سرمایه داری فرانسه هماهنگ باشد و دوماً سرویس پست را که اصولاً هدفش باید "منافع عمومی" باشد، بسیاق بیگانه های بخش خصوصی به اصطلاح یا "صرفه" نماید. اما چطور میتوان سرویس عمومی پست را خودکفا نمود

و آنرا به مکانی رساند که لازم نباشد کسر بودجه خود را از طریق درآمدهای تلفن جبران نماید؟ به این سوال شوالیه با همان بینش سرمایه دارانه ضد مردمی خود پاسخ میگوید که عبارتست از: حذف سوبسیه (اعانه دولتی) دولت برای پست مطبوعاتی. حذف دفاتر پست در روستا - های دور دست و ساختن محلی برای روستائیان جهت گرفتن نامه های خود.

* ایجاد سرویسهای پست اکسپرس و سریع برای خوش خدمتی به بخش خصوصی و سرمایه داران... و غیره. حالاً مرتضی نوی وزیر پست و تلگراف و تلفن نیز در گفت و گوی اختصاصی خود با اطلاعات

۶ تیر، نه تنها، نعلبه نعل از گزارش شوالیه کپی به برداری نموده، بلکه ضمن بهره جویی از ناآگاهی توده ها و فقدان گروههای فشار چون سندیکاها و غیره... در کشورمان، در تداوم همان سیاست های استثمارگر ضد مردمی ارتجاع حاکم، کشاورز-ان کشورمان را در قالبهایی تحت عنوان "همکاری شوراها روستایی" به استثماررایگان مجبور مینماید. به عبارت گویاتر، دولت به جای اینکه از فرصت استفاده کند و با ایجاد کار برای جوانان روستایی و استخدام آنها جهت رساندن پاکت های پستی به روستاها، از میزان بیکارها بکاهد، مثل همیشه از احساسات مذهبی روستا - ئیان بهره جویی کرده و به نام کمک به دولت اسلامی و ثواب و پاداش اخروی و غیره از آنان میخواهد که خودشان نامه های خودشان را حمل و نقل نمایند! از سوی دیگر رژیم طرفدار سرمایه داران حاکم با ایجاد پست اکسپرس و حمل و نقل سریع به یکی از خواستهای دیرینه بخش خصوصی پاسخ مثبت میدهد.

* بدنبال کسری شدید بودجه بانک کشاورزی از پرداخت وامهایی که هرساله برای سهولت در امر برداشتگشا ورزان و برنجکاران که هزینه بسیاری را برای آنان در بردارد سرباز زده است. بدنبال مخسنا مه دولت مبنی بر اجازه دادن به بخش تعاونی جهت خروج از زیر پوشش نهاد های دولتی و پیوستن بد بخش خصوصی اطلاع یافتیم که به علت رشد نارضا یتهای بسیار دولت در برنامه ریزی خود در آخر سال ۶۳ این مسئله را ملغی نموده است.

* در سمیناری که در فروردین ماه سال جاری در گرگان از مسئولین پیرامون بررسی وضعیت کشاورزی برگزار گردید بسیاری از مسائل که گویای واقعیت و وضعیت تاسف بار حاکم بر این بخش میباشد، از زبان خود مسئولین مطرح شد. در این جلسه عنوان شده که در حال حاضر دنیا به ما میخندد، زیرا تنها کشوری هستیم که همه چیز خود را از خارج وارد مینماید. □

مونتاز «جبهه» نامتحد «ارتجاع»؟!!

سرزنده‌ها و رگه‌های انحراف و ارتجاع را کشف کردن و به استدلال نشستن است، تصفیه سرچشمه‌های تشویریک و زیربناهای ایدئولوژیک از بنگارهای سیستمهای ارزشی و عملی دشمن است. اعتراف به اشتباهات و طرح و پیشنهاد، در جهت رفع آن، قبل از دشمن و به دست نیروی انقلابی، نه تنها، دور شدن از مسیر اصلی جنبش و فراموش کردن تضاد عمده نیست که موجب روئین تنی صف انقلاب میگردد و وضعی را که سکوت در برابر آن، میتوان آن را آلت دستی برای دشمن گرداند و جماعتی بر سر جنبش با درک صحیح و اعتراف صادقانه بدان، تبدیل به نقطه توت گرداند و در نتیجه اعتماد و ایمان را میان توده‌ها و پیشگام انقلابی، صد چندان سازد.

بی شک شناخت مرزهای انتقاد سازنده در درون جنبش از دشمنی ورزیدن ضد انقلابی، تناسب و ارتباط ارگانیک با ماهیت پایگاه و اهداف اجتماعی - سیاسی جریان انتقادکننده دارد. یعنی با ارزیابی صحیح و علمی از پایگاه اجتماعی یک گروه، مناسبات سیاسی وی و نیز وضعی که در قبال دشمن عمده دارد و شیوه‌هایی که برای مبارزه با آن در پیش میگیرد، میتوان در وهله اول، انقلابی، یا ضدانقلابی بودن نیرو را، شناخت و ارزیابی کرد. به عیسارت دیگر انقلابی یا ضد انقلابی بودن یک جریان سیاسی، قبل از هر چیز به درجه خصومت و قهری است که با دشمن عمده برقرار میکند و میزان نیرویی که در آن مسیر میگذارد. هرگونه محدود کردن معیار و محک انقلابی، یا ضد انقلابی بودن نیرویی به یک موضع گیری، چیزی به جز یک سفسطه غیر دموکراتیک سیاسی- تبلیغاتی برای به کرسی نشاندن اهداف خود، نیست.

تحولات اخیر در رهبریت سازمان مجاهدین به تعبیر نشریه مجاهد گسترده ترین حجم سیاسی- تبلیغی در نشریات گروههای سیاسی جنبش و منحنه خودنشریه مجاهد و نیز ضدانقلاب غالب و مغلوب، به خود اختصاص داد بسیاری از مترصدان "گرفتن ماهی از آب گل آلود" به تکایو افتادند. ضدانقلاب غالب و مغلوب کوشید تا با جلوه‌ها و جنبه‌های ضد اخلاقی دادن به قضا، جویی اعتمادی و انفعال را در توده‌ها دامن زده و با ایجاد بدبینی نسبت به عنصر مترقی و پیشگام به طور عام، در جهت تحقق اهداف ضد انقلابی و ضد خلقی خویش گامی به پیش رود.

از سوی دیگر برخی از نیروهای درون جنبش، به شکلی انحرافی و سکتاریستی فرصت را غنیمت شمرده تا با تعمیم ایدئولوژیک بخشیدن این تحولات به کل سیستم اعتقادی ایدئولوژی مترقی اسلامی، طبق محاسبات خویش به اصطلاح جنبش را از عنصر ایدئولوژی مترقی اسلامی که به زعم آنان هیچ فرق عمده‌ای با ارتجاع ندارد، بزداید و بقولی را دیکتالیزه نمایند! اینان انحراف را در اسلام اعم از مترقی و ارتجاعی جستجو میکردند. و در همین راستا قلمها در این باب فرسوده‌اند.

در این میان، اما نیروهای انقلابی با

میخواست، بخصوص که معرفی این ترکیب جدید به زعم مرکزیت سازمان محدود و مشروط به چارچوب تشکیلات نسیماندوبه کل انقلاب تعمیم میافت، آن هم در جلوه‌هایی که ملاحظید و با تفاسیری شدیداً اغراق آمیز، بیگانه با اصول شناخته شده درک انقلاب - بی از رهبریت، بطوریکه برخی از همدان - معتقدین به این انقلاب از آن تحت عنوان "کشف جدیدی" در عالم مبارزه نام میبرند (به نقل از نوشته حسن حبیبی).

اما نشریه مجاهد شماره ۲۵۲ با بازگشایی "جبهه نویسی" و نیز همگامی کردن کلیه نیروهای جنبش با ضدانقلاب غالب و مغلوب، بدون در نظر گرفتن پایگاه و ماهیت هر یک از نیروهای انتقاد کننده نه تنها پاسخی به سئوالات اساسی ای که با سخنان تشویریک و سیاسی خاص خویش را با منطق انقلابی میطلبد، نداده است، بلکه ملامت و پارامتر جدیدی را برای انقلابی بودن یا ضدانقلابی بودن نیروهای درون جنبش وارد میدان کرده است و آن پذیرش تحولات اخیر در رهبریت سازمان مجاهدی که اولین نمودش فردی شدن امر رهبری و تعمیم آن به سطح انقلاب است.

این "جبهه سازی" که بر پایه ارائه استدلال منطقی و تحلیل و تفسیر ایدئولوژیک سیاسی استوار نیست نه تنها در شیوه محکوم است و از اساس بیگانه با سیاست و شیوه برخورد خود سازمان مجاهدین که در گذشته همیشه در عین همبستگی با همه نیروهای خلقی میکوشید تا انحرافات را به استدلال بنشیند، که در چارچوب عقیدتی نیز نوعی دگما تیزم و در بر خورد سیاسی، خود محوری (که ویژگی قدرت گرائی است) میسر و در نتیجه توهمات و انفعال و بدبینی بسیار را نسبت به عنصر مترقی مذهبی که میکوشید تا ماهیت خویش را در عمل، نظر و شیوه‌ها با ارتجاع مذهبی جدا کند، دامن میزند و زمینه "ایمن- همانی" (اسلام راستین همان اسلام ارتجاعی است)، را برای بسیاری از نیروهای مترصد فرصت آماده میسازد. بگذریم از انعقاد بسیار منفی که در ذهنیت و شناخت توده‌ها جای خواهد گذاشت.

"آیا حق نداریم بپرسیم که:

چگونه میتوان در همین کشور خودمان دم از توحید، دم از نفی استثمارزد، ولی یک نیروی انقلابی را مورد حمله قرار داد؟ "وحدت درونی چگونه پدید می‌آید؟... سازمان بایستی در تمامیتش تضادهایش را با حامی درست حل کند... وحدت را اساساً نمیتوان با سرهم بندی بدست آورد."

(تبین جهان صفحه ۶۴۶)

وقت از تقلب دست بردارند. بقیه مقاله او یک قابل درک ترین و در عین حال نامربوط ترین پیش نهاد توسط عراق ارائه شد. این کشور معتقد بود که او یک باید اجازه دهد هرچه دولتهای عضو میخواهند آزادانه تولید کنند و بفروشند، اما فقط میزان فروش آنقدر باشد که از

درآمد ملی ثابت و تعیین شده از طرف او یک و برای هر کشور، بیشتر نشود. مجسم کنید که اگر همه این پیشنهاد را قبول کنند، چه فاجعه ای در گاهش بهای نفت و چه مسابقه ای برای بیشتر تولید کردن جهت رسیدن به آن حد نصاب درآمد ملی تعیین شده توسط او یک بوجود خواهد آمد. ولی هرچه هست از پیش نهاد عراق و خواسته های نیجریه و عملکرد پنهانی ایران و... چنین برمی آید که تمایل روپوشی جهت تولید آزادانه و فروش آزادانه - وجود دارد، شاید مواضع ملک فهد و سکوت یمانی نیز بی رابطه با این تمایل نباشند.

ب عربستان و او یک

=====

چیزی که در جریان این کنفرانس جلب توجه میکرد، سکوت غیر عادی و منفعل برخورد کردن عربستان بود با مسائل گوناگون، زکی یمانی حتی به ندرت دیده میشد و برای برخورد نکردن با خبرنگاران گویا از در پشت سالن محصل کنفرانس خارج میشد. این را شاید بتوان اینطور تفسیر نمود که این کشور با اقتدار و بی شکی کسوتی خاصی که در او یک دارا میباشد، در آستانه یک تصمیم گیری استراتژیک قرار گرفته است. تصمیمی که ممکن است بیکیاره او یک را از درون به انفجار بکشانند. قبل از کنفرانس نیز ملک فهد تهدید کرده بود که قصد دارد، در صورت در نظر گرفتن نرخ بازار توسط دیگر اعضاء او یک تولید خود را هماهنگ با قیمت بازار سازد. اگر این تهدید صورت پذیرد، فی الواقع باید فاتحه عمر او یک را نیز خواند. بنظر میرسد که خود کنار کشیدن زکی یمانی در مذاکرات بی ارتباط با این نیت نباشد.

اخیراً نیز الجزایر ضمن انگشت گذاشتن بر این مسئله، عربستان را به همدستی با کشورهای مصرف کننده برای حمله به او یک داخل متهم نمود و کشورهای صادر کننده نفت را به همبستگی و نظم فراخواند.

در هر شکل فراخوانی به نظم و صورت پذیرفتن احتمالی آن، اگر چه میتواند از گاهش سریع قیمت ها جلوگیری کند، ولی مشکل بتواند از مسیر قهقرايي آن جلوگیری به عمل آورد، و قتی شوروی، چین و انگلیس و مکزیکه قیمت ها را کاهش دهند و در عین حال همین ها باشند که قسمت اعظم تولید و صادرات جهانی را در دست بگیرند برای جلوگیری از گاهش بهای نفت بطور خاص و اقول او یک بطور عام چه باید کرد؟

۳ - چه باید کرد؟

=====

از آغاز شوک اول نفتی مباحثات و پیش نهادات زیادی جهت مذاکره ما بین طرفین (کشور) های مصرف کننده و تولید کننده (طرح شده است اما از آنجا که برای ایجاد یک قرارداد بین المللی نیاز متقابل و تعادل نسبی قوا ما بین ضروریست، او یک که آن زمان در موضع قدرت قرار داشت شاید نیازی به مذاکره برای تثبیت بهای

نفت نمیدید، چرا که درست عکس آن را طلب می نمود.

حال که او یک در آستانه ضعف قرار دارد، چگونه میتوان از کشورهای صنعتی و امپریالیست ها انتظار حسن نیت و خیرخواهی داشت؟ جهان صنعتی نیازمند تا مین یک امنیت انرژی بود. بالعکس او یک از شوک اول نفتی تا این اواخر، نیازی به تثبیت قیمت ها نداشت، چرا که قیمت ها همواره رو به افزایش بوده اند، نتیجتاً تعادل قوایی نیز در میان نبود در معاملات تجاری بین المللی بدنیال حسن نیت گشتن، نوعی ساده لوحی است. مگر کدام تولیدکننده ای میتواند در مقابل رشد خود به خودی بهای نفت در بازار آزاد مقاومت کند، قیمت خود را بالا نبرد و از مصرف کننده ای که سالها او را چیاول کرده، بخواهد سر میز مذاکره نشسته و قیمت ها را ثابت بخشد؟ کدام مصرف کننده ای از جوامع صنعتی است که با داشتن ذخائر استراتژیک نفتی فراوان، حاضر به پذیرفتن ثبات قیمت میشود؟

در هر صورت اگر زمینه های برپایی این مذاکرات آماده میشود، روابط طرفین (مصرف کننده و تولید کننده) باید تحت مقررات در آید و هماهنگ با آن "ذخائر تنظیم کننده" نیز ایجاد شود (۱) اما این خود با فلسفه لیبرالیسم نو که در شرایط کنونی، بیش از هر زمان دیگری بر روابط تجاری بین المللی حاکم است، در تضاد قرار دارد. بطور مثال در سالهای اخیر آمریکا یک چنین سیاستی را که در رابطه با فلز قلع به وجود آمده بود، به شکست کشانید و با ایجاد ذخائر عظیم تر قلع به طور یک جانبه، "ذخائر تنظیم کننده" ای را که از طرف کشورهای تولید کننده جهان غیر صنعتی و کشورهای مصرف کننده بوجود آمده بود و هدفش هم همان ثبات بخشیدن به بازار قلع بود، عمداً به شکست کشانید.

آیا در شرایط کنونی که او یک تنها یک چهارم میزان نفت مورد جهان را تولید میکند تعادل قوایی برای مذاکره بر سر تحت ضابطه و مقررات در آوردن بازار و ثبات آن وجود دارد؟ پاسخ منفی است.

به نظر ما شرایط همکاری دو جانبه میان کشورهای مصرف کننده و تولید کننده تنهزامانی میسر است، که او یک بتواند حداقل چند کشور صادر کننده نفت خارج از او یک، نظیر مکزیکه و روسیه و... را در قیمت گذاری با خود همراه سازد.

در غیر این صورت باید همچنان سیر افولی و نهامتاً خاموشی او یک را انتظار کشید.

پاورقی

=====

۱- "ذخائر تنظیم کننده"، ذخائری است که هزینه آن توسط طرفین قرارداد پرداخت میشود و عملکرد آن بدین طریق است که هنگام ازدیاد عرضه در بازار، بخشی از تولید آن خریداری و انبار میشود تا از گاهش قیمت ها، جلوگیری به عمل آید و بر عکس هنگام کمبود و افت تولید، بخشی از نفت ذخیره شده، از انبار خارج و به بازار عرضه میشود تا از رشد بهای نفت نیز ممانعت شود.

ستون ویژه پيروان راه معلم:

© بررسی کوتاهی پیرامون تولید ملی از: و واردات در اقتصاد ایران احمد

مشاهده میشود حجم تولید کالاهاى فوق در سال ۶۱ نسبت به سال ۵۶ افتى بين ۳۰% الى ۵۰% را نشان میدهد و این درحالى است که سال ۶۱ بنا به اقرار مسئولین رژیم وضعیت اقتصادى و سیاسى در بهترین حالت بوده است بطورى که سالها بعد وضعیت تولید افتى حتى بیش از مقادیر فسوق را نشان خواهد داد. سال ۶۱ سال سرکوب مقطعى و مقامتناظرى و سال فوران نفت از طرف دیگر بود. به اصطلاح پیروزیهای رژیم در جبهه جنگ با عراق نیز بلحاظ اقتصادى، تولید و صادرات و درآمد حاصل از نفت در این سال به دو برابر سال ۵۶ رسیده، در نتیجه رژیم توان بالائى را برای راه اندازى اقتصاد خود کسب میکند، ارقام ذیل گویای این فرآیند است:

متوسط تولید و صادرات نفت (روز - بشکه) (۲)

موضوع	سال ۶۱	سال ۶۲	درصد رشد
۱ تولید	۱۴۴۱	۲۶۷۹	۸۵ / ۱
۲ صادرات	۹۳۱	۱۰۵۱	۱۲۰ / ۲

و این درحالى است که در سالهای بعد افزایش عرضه نفت بر تقاضای موجود، رواج تک محموله فروشى و معاملتهاى تری ارزش نفت دچار سقوط قابل ملاحظه ای شد. جدول ذیل تنها بیانگر کاهش ارزشى در طى سال ۶۱ میباشد.

ارزش نفت برخى از اعضاى اوپک - قیمت رسمى در طى سال ۶۱ (بشکه - دلار) (۳)

کشور	آورده در ۶۱	تیر ۶۱	مشتد ۶۱	کاهش دوره
۱ ایران	۲۰/۲۰	۲۱/۲۰	۲۸	۲۷/۳
۲ عربستان	۲۲	۲۲	۱۱	۴۱۴/۷
۳ الجزایر	۲۵/۵۰	۲۵/۵۰	۲۰/۵۰	۲۱۲/۱

که البته قیمتهاى فوق قیمت رسمى بوده و قیمت غیر رسمى بخصوص در مورد نفت ایران مبالغى کمتر را تشکیل میدهد.

علاوه بر کاهش ارزشى نفت در سالهای پس از سال ۶۱ که در سالهای بعد حتى به ۱۵% الى ۲۰% نیز رسید، حجم صادرات نفتى نیز به دلایلى از قبیل اشباع بازارهای نفتى، جنگ نفتکشها در خلیج و نیز انزوای بین المللى رژیم کاهش یافت. افزایش قیمت بیخه و حمل و نقل غیر مستقیم در خلیج نیز از عواملی بود که بیش از پیش بر کاهش درآمد نفتى مؤثر بود. بدین ترتیب در سالهای بعد خمینی برای تامین درآمد حاصل از نفت خود مواجه باد و مشکل اساسى شد: اول کاهش ارزشى نفت صادراتى، دوم کاهش حجم نفت صادراتى، تا شایر این دو فاکتور در منابع درآمد خارجى بودجه دارى

معمولاً در بررسی های کلاسیک از اقتصاد خمینی زده ایران، برای دریافت و گزارش وابستگی اقتصادى عمدتاً به تحلیل و توصیفهای آمساری از واردات اکتفا میشود. اگرچه این متد شرط لازم برای آغاز کار محسوب میشود ولی آنگاه بررسی کاملتر میشود که روی دیگر سکه یعنی وضعیت تولید داخلى و خصوصاً تولید در رشته های صنایع که حلقه های تولید مستقل تری را تشکیل میدهند نیز مورد بررسی قرار گیرد، چرا که صادرات و تولید داخلى و نیز سرمایه گذاری تولیدى (که نیروى مولده آتى محسوب میشود) در یک رابطه متقابل و متبادل قرار داشته که اصطلاحاً رابطه متقابل جبران نامیده میشود.

بر مبنای آنچه آمد، گزارشى کوتاه از وضعیت خمینی زده اقتصاد ایران می آید، تا گامی در این راه باشد. لازم به یاد آورست که کلیه آمار و ارقام مورد استفاده از منابع رسمى رژیم است و البته این به معنای تأیید کلیه آنها نیست ولی از آنجا که آمار دقیق و جامع تری در دست نبود، و از آنجائی که اسناد خود رژیم گواهی بر نقض ادعای او در عمل است از آن استفاده بعمل می آید.

تولید داخلى: تولید ملی و داخلی هر جامعه در واقع اساس کلیه فعل و انفعالات اقتصادى آن محسوب شده و تاثیر آن به تمامى ابعاد و بخشهای اقتصاد جامعه غیر قابل انکار است. از این رونقده عزیمت را بر آن قرار میدهم.

اگرچه برای بررسی تولید داخلى در جمهوری خمینی میتوان لیست بلندبالائی از مقدار تولید کالاها را ردیف نمود ولی از آنجائی که اختصار محدودیت را تحمل مینماید تنها به ذکر مقدار تولید چند کالایه مشابه نمونه های از کل صنایع اکتفا میشود:

مقدار تولید برخى از کالای تولید شده در کشور (۱)

نوع کالا	واحد	تولید سال ۶۵	تولید سال ۶۱
۱ گوشت گوسفند	هزار تن	۱۲۷	۶۱
۲ نگر	هزار تن	۵۲۱	۲۷۶
۳ پارچه	میلیون	۱۳۹	۱۰۷
۴ جرم	تن	۹۲۲	۶۴۲
۵ کود شیمیائى	هزار تن	۵۸۵	۹۴
۶ لاستیک روئى اتومبیل	هزار حلقه	۴۱۳۲	۳۸۹۷
۷ کامیون	دستگاه	۱۰۸۱۹	۹۱۷۸
اتوبوس	//	۲۱۵۸	۱۵۷۵

همچنانکه از ارقام فوق بر می آید، هر رقم نمودیک صنعت خاص بوده و از تعداد زیادى موارد مشابه آن صنعت انتخاب شده است و محافظه کارترین نوع انتخاب اعداد را در بر میگیرد. همانگونه که

تاثیری اساسی و منفی بود و از حجم خریدهای خارجی ایران کاسته شد، لذا کارخانه‌های تولیدی به‌سبب محدودیتهای فراوانی در زمینه تامین لوازم اساسی برای حفظ تولید و نیز مواد اولیه روبرو بود. در سال ۶۲ و ۶۳ واردات بازرگانی محدودیتهای هرچه بیشتری برای خریدهای خارجی قائل شد و حتی وزارت خارجه‌های مربوط به صنایع، به توجیه در جهت کاهش تولید و کاهش ساعت کار پرداخته‌اند.

آنچه آمدبیا نگر کاهش تولید ملی حتی نسبت به دوران شاه خائن بود، شایسته یادآور نیست که در این پریود پس از انقلاب بهمن بسیاری از سرمایه‌ها - گذاریهای دوران رژیم سابق به بهره برداری رسیده و در سالهای قبل از جنگ نیز بواسطه سرمایه گذاری ظرفیت تولیدی کل جامعه به بالاتر از سالهای قبل از انقلاب رسیده است لذا شایسته است که به مقایسه راندمان برخی از بخشهای صنایع بعنوان نمونه پرداخته شود تا حجم تولید رانده در مقایسه با تولید سالهای پیش از انقلاب که با ظرفیت واقعی تولید

دریابیم :
مقایسه تولید و ظرفیت برخی از تولیدات نفتی (۴)

نوع کالا	تولید	ظرفیت تولید	تولید موجود
۱ روغن نباتی	هزار تن	۵۲۶	۳۲۰
۲ بنز	هزار تن	۹۵۸۹	۴۱۸۵
۳ کود شیمیائی	هزار تن	۲۰۳	۹۴
۴ سیمان	میلیون تن	۱۵	۱۰
۵ اتوبوس	دستگاه	۴۴۰۳	۱۵۷۵

قسمتی از ارقام فوق بیانگر راندمانی حدود ۵۰٪ برای نیروی تولیدی صنایع است و این در حالی است که در سال ۶۱ رژیم هنوز به معضل اعتصابات کارگری روبرو بود و نه با محدودیت ارزی فصلی، در نتیجه در سالهای بعدی تردید افت تولید نسبت به ظرفیت از این بیشتر خواهد بود (۵). محدودیتهای ارزی، اعتصابات کارگری، رشد سرسام آور نرخ تورم، شکست رژیم از تجاوز به عراق، وقف هر چه بیشتر نیروی کار و صنعتی کشور برای تجاوز به عراق، عوامل اقتصادی و سیاسی زمینه ساز افت هر چه بیشتر تولید بشمار میآید، اکنون پس از بررسی کوتاهی که وضعیت تولید، عمل آمد، نگاهی به روی دیگر سکه یعنی واردات در بازرگانی خارجی ضروری است.

واردات همگام با افت تولید

داخلی میباشد نیازهای داخلی با عامل دیگری جبران شود، در جوامع پیشرفته و انقلابی این مسئله با سرمایه گذاری و یا افزایش نیروی تولید داخلی جبران میشود، لذا روند وارداتی آنها بیشتر متوجه کالای سرمایه‌ای بوده و سعی بر

این است که در مورد کالاهایی که اهمیت استراتژیک و اقتصادی دارند واردات سیر نزولی داشته باشد. ارقام ذیل گویای برنامه سرمداران رژیم خمینی در این رابطه است.

ترکیب واردات (میلیون دلار) (۶)

نوع کالا	سال ۷۵	سال ۶۱	درصد تغییر
مواد اولیه و کالای واسطه	۵۳۵۰	۶۸۶۱	+ ۲۸٪
کالای سرمایه‌ای	۲۹۰۸	۲۳۰۸	- ۲۰٪
کالای مصرفی	۲۱۱۴	۲۶۷۶	+ ۲۶٪

جدول فوق گویای کاهش واردات کالای سرمایه‌ای در دوره بین سالهای ۵۷ الی ۶۱ به مقدار ۲۰٪ میباشد، در صورتی که در همان دوره واردات کالای مصرفی ۲۶٪ افزایش یافته و واردات کالای واسطه که در واقع همان پسر خور صنایع وابسته است نیز ۲۸٪ افزایش را نشان میدهد.

نگاهی به اقلام این کالاها برای دریافت هرچه بیشتر سیاست اقتصادی رژیم خمینی ضروری است:

ارزش واردات برخی از اقلام کالای وارداتی (میلیون دلار) (۷)

نوع کالا	سال ۵۷	سال ۶۱
۱ لبنیات و تخم مرغ	۱۱۳	۳۵۱
۲ غلات و فراورده های آن	۳۹۱	۶۷۳
۳ ماشین آلات	۲۶۹۳	۱۷۳۲
۴ ابزارهای الکتریکی و ماشین	۸۷۶	۶۹۳
۵ روغن های گیاهی	۱۳۹	۱۷۱

ارقام فوق گویای این واقعیت است که درآمدهای حاصله از نفت که در واقع سرمایه محسوب میشود و نه کالای مصرفی، اینگونه به غارت داده شده تا از وجوه حاصله آن تخم مرغ و ذرت! خریده شود. که البته ارقام ناپیدای خرید تسلیحاتی و نظامی را نیز باید بر این ارقام افزود، که ارقامیکه حاکی از کوشش خمینی است برای نابودی حرث و نسل، نه تنها ایران که سرزمینهای مجاور آن، اگر چه تغییرات حاصله در کم و کیف واردات نشان سیاست اقتصادی و تحولات درونی رژیم است، تغییرات طرفهای معامله و اقلام مربوط به آنها نیز شاخص سیاست خارجی آن جهتگیریهای داخلی تلقی میشود نگاهی به ارقام ذیل گویای این واقعیت است: تغییرات حاصله در معامله با طرفهای معامله (میلیون دلار)

گروه کشورها	سال ۵۷	سال ۶۱
۱ بازار مشترک	۴۶۴۲	۲۳۵۷
۲ کشورهای سو - سیالستی (تحت تری)	۴۹۹	۱۲۹۹
۳ عمران منطقه‌ای	۳۹	۸۸۲
۴ اوپک	۳۹	۲۵۵

نوشتار را با سخنی از امام علی به پایان میبریم :

وَقُولِهِمْ شَفَاءٌ وَفَعْلِهِمْ
الْبَدَاءُ الْعِيَادُ..... أَوْلَيْكَ حِزْبُ الشَّيْطَانِ
الا ان حزب الشيطان هم الخاسرون
(بظاهر) گفتارشان دواست و سخن هایشان درمان
(اما در واقع) کردارشان (خود) دردبیدرمان است
... آنها همان حزب اهریمن هستند ،
و حزب اهریمن همان زیانباران !

پا و رقیها :

- ۱ - گزارش سالیانه بانک مرکزی سال ۶۲ صفحه ۵ الی ۵۵
- ۲ - همان منبع صفحه ۴۳
- ۳ - منبع فوق الذکر
- ۴ - همان منبع صفحات ۵۰ الی ۵۵ و آمار سالیانه مرکز آمار ایران صفحات ۹۹ الی ۱۰۳
- ۵ - سازمان برنامه و بودجه رژیم هنوز آمار سالیانه ۶۳ و ۶۲ را ارائه ننموده ، گویا در خود همان دستگاه اجرائی نیز راندمان کار ریش از ۵۰ درصد نیست .
- ۶ - گزارش سالیانه بانک مرکزی سال ۶۲
- ۷ - همان منبع صفحه ۱۹۹ به بعد .
- ۸ - // صفحات ۲۰۱

سخنی کوتاه از معلم

تا مردم به آگاهی نرسیده اند و خستود صاحب شخصیت انسانی و تشخیص طبقاتی و اجتماعی روشنی نشده اند و از مرحله تقلید و تبعیت از شخصیت‌های مذهبی و علمی خود که جنبه فتوایی و مقتدایی دارند (و رابطه میان آنها با مردم ، رابطه مرید و مراد و عامی و عالم و مأمور و امام است) به مرحله‌ای از رشد اجتماعی و سیاسی که در آن رهبران اند که تابع اراده و خط مشی آگاهانه آنانند هرگز مکتبی و هرنهضتی عقیم و مجرد خواهد ماند" (معلم شهید ، شریعتی)

مجموعه آثار ۴

رقم عمده تغییرات در دوره پس از انقلاب که بالغ بر ۲۰۰۰٪ است مربوط است به کشورهای با اصطلاح عمران منطقه‌ای یا در واقع پایگاههای امپریالیسم در منطقه ، دو رژیم کودتاچی امریکایی! که البته علمای اعلام از آنها سه عنوان کشورهای برادر مسلمان نام میبرند دومین رغم عمده تغییرات از آن کشورهای عضو اوپک است که بالغ بر ۵۰۰٪ میشود . که البته در این کشورها صنایع پیشرفته‌ای موجود نیست که ما زادتولید بر مصرف آن به ایران صادر شود ، در نتیجه میتوان حدس زد که این کشورهای برادر مسلمان نیز ، از کشورهای برادرنا مسلمان ! جنس را خریده و با احتساب سود و اجردلالی آن را به کشورهای برادر و البته مسلمان ایران ! تحویل داده اند .

امادراین میان معامله با کشورهای سوسیالیستی . نیرقابل توجه است . این کشورها که در وانفسای . احتضار رژیم ، با زار را داغ یافته تنها با معامله تها تری حاضر به معامله شده ، و از اینرو فعال آستین را بالا زده تا از این خوان یغما بی نییب نمایند لذا معاملات خود را محدود ۶۱٪ افزایش دادند . معامله تها تری موجب میشود که برای نفت بی مشتری ایران از طرفی و بی مشتری کالای بی مشتری آن کشورها از طرف دیگر مشتری پیدا شود . عدم مرغوبیت کالای کشورهای سوسیالیستی نسبت به کالاهای کشورهای غربی ، ضعف ارزی آنها در پرداخت با پولهای بین المللی از آن جانب و

آنچه آمدیم با نگرانی تولیدملی حتی نسبت به دوران شاه خائن بود ، شایسته یاد آوریم که در این پریود پس از انقلاب بهمین سیاری از سرمایه - گذارهای دوران رژیم سابق به بهره برداری رسیده و در سالیهای قبل از جنگ نیز بواسطه سرمایه گذاری ظرفیت تولیدی کل جامعه به بالاتر از سالیهای قبل از انقلاب رسیده است

با زار سردنفت ایران به دلایلی از قبیل اشباع بازار نفت ، عدم حمل و نقل ایمن در خلیج و انزوای سیاسی و اقتصادی رژیم از این جانب عامل اصلی چوش خوردن این معاملات تها تری است . و گرنه در شرایطی که دلار در شرایط خوبی بر میبرد معامله (نفت - دلار - کالا) مطمئنا بر معامله نفت - کالا از طرف ایران ارجح بوده و این در صورتی است که کشورهای طرف معامله تها تری در صورت امکان دسترسی به دلار ، معامله کالا - دلار - نفت را با توجه به شرایط بحرانی نفت ارجح میدانند . گزارش فوق اگرچه حق مطلب را ادا نمیکند ولی نمایانگر بخشی از آنچه است که در زیر سر شعارهای مظنن به اصطلاح اسلامی و انقلابی ملی پنهان است .

پیروز باد نبرد عقیدتی اسلام اجتهادی علیه اسلام فقهاتی

ستون ویژه پروان راه معلم:

تاکتیکهای متنوع

خط مشی آگاهی از:

موحدین انقلابی

هر انقلاب، دگرگونی و تحول اجتماعی، برای پیروزی خودنیا زمندداشتن برنام روشن مبارزاتی و سازماندهی لازم میباشد، یعنی جریانها و سازمانها و نیروهای انقلابی باید در ارائه یک برنامه سیاسی به تعیین محوری ترین برنامه پیکار جنبش (استراتژی) و بررسی وضعیت جنبش، ماهیت رژیم و نیروهای انقلابی و وظایف آنها، ماهیت نیروهای محرکه، تحولات و در نتیجه گزینش خط مشی و نیز تعیین برنامه مرحله ای مبارزاتی خود یعنی تاکتیکها پردازند.

در مباحثی که در چند شماره گذشته خروش - موحد تحت عنوان "سرمقاله ها" ارائه شده است، ما عنوان نمودیم که برای تحقق اهداف، آرمانها و ایده آلهای توحیدی - انقلابی - مردمی خود باید یک برنامه عمل پیکار و استراتژی مبارزاتی برگزید. آنگاه بر مبنای این اصل که خصلت یک انقلاب در گزینش نوع استراتژی دخالت مؤثر را برعهده دارد، استراتژی مبارزاتی خود را در این مرحله ضدا رجاعی - ضدا مپریالیستی عنوان نموده و متذکر شویم که برای تحقق این استراتژی نیازمند انتخاب و برگزیدن خط مشی میباشیم. آنگاه با طرح انواع خط مشی های مبارزاتی مطرح ساختیم که در این شرایط اجتماعی با توجه به پارامترهای بسیار مهمی که در تعیین و گزینش خط مشی دخالت مؤثر دارند در این مرحله مبارزاتی، برای تحقق اهداف و ایده آلهای و نیز استراتژی خود، خط مشی آگاهی را برگزیده ایم. زیرا که این مشی را شرط اولیه و ضروری پیشبرد استراتژی ضدا رجاعی - ضدا مپریالیستی جریان خود میدانیم، مشی ایی که موحدین را بر آن میدارد تا توده ها را با خود داشته باشد - توده های که یار شدن و پیوستنشان بنا بر گفته "فرانتس فانون" نیازمند شعور و وجدان است، نیازمند فهم رسالتی که با پیدای عهد آن برآیند. یعنی نیازمند آگاه شدن آنان و لودر مرحله جنبشی است. زیرا مردم باید آگاه شده تا میزان کارایی و مشارکتشان در امر انقلاب افزایش یافته و شرایط لازم پیروزی را فراهم آورند. اما همانگونه که تحقق هر انقلاب به راههای انقلابی نیاز دارد، هر خط مشی ایی نیز برای به صحنه اجراء آمدن نیازمند راه و روش - هایی میباشد که مادر اصطلاح سیاسی به آن: "تاکتیک" میگوئیم.

"تاکتیک" شیوه های عملی و جزئی تر از خط - مشی را که برای تحقق و پیشبرد خط مشی بکار گرفته میشود، میباشد. این تاکتیکها در شرایط زمانی و مکانی مختلف، متفاوت و متنوع بوده و از خط مشی بسیار متغییرتر میباشد. پس در نتیجه خط مشی آگاهی نیز که در برگزیده یک مبارزه

عینی و ملموس میباشد با روشهای مختلفی کسه همراستا با آن خط مشی و استراتژی میباشد، به پیش برده میشود. یعنی همانگونه که خط مشی نظامی دارای تاکتیکهای متفاوتی چون تسرور و پسا انفجار مراکز و پایگاههای نظامی و یا جنگ چریکی توده ای یا شهری و یا دهقانی و کوهستانی میباشد، خط مشی آگاهی نیز دارای روشها و تاکتیکهای متنوعی میباشد که باید مشخص گردد زیرا باید توجه داشت که مسئله آگاهی بخشیدن به توده ها حائز اهمیت ویژه ای است و شعرا آگاه ساختن توده ها و عمیق تر گردانیدن آن اگر دو مسئله اساسی و مرتبط با هم در آن مشخص نشده باشد، بصورت شعاری توخالی و بوج در خواهد آمد. این دو مسئله عبارتند از:

۱ - مقصود از آگاهی لازم که باید در بین مردم منتشر شود و بطور مداوم باید آنرا عمیق تر ساخت، چیست؟ که در این رابطه یعنی آگاهی سیاسی که باید واکنشی از افکار عمومی انقلابی و متناسب با نیازهای مستقیم جنبش در هر مرحله و نیز پاسخگویی آن نیازمند باشد - بطوریکه توده ها را بطور مؤثری برای مشارکت هر چه فعالتر در انقلاب بسیج نماید و نیز این آگاهی در سطحی باشد که بتواند نیازهای توده ها را بطور روشن پاسخگو و با جهت دهی عملی صحیح هدایت نماید، ما در نشریه شماره ۲۸ خروش بوحده توضیحاتی پرداختیم. و اما ۲ - آگاه ساختن توده ها - توده هایی که نمیتوانند از لابلای مطالعه کتابهای تئوریک چیزی درک نمایند و رساندن شناخت انقلابی به گسترده ترین محافل توده ای چگونه است؟ که در این شماره به طرح چگونگی این راه و تاکتیکهای پیشبرد خط مشی آگاهی خواهیم پرداخت

گزینش خط مشی سیاسی آگاهی را با سه مانی سایر خط مشی ها نیست، لیکن اطلالت هر کدام را از آنرا به چگونگی شرایط اجتماعی، جنبشها و ذهنیتهای جامعه آنان بستگی دارد. در حال حاضر اعمال تاکتیکهای سیاسی از سوی سازمانها و جریانهایی که به خط مشی نظامی اعتقاد داشته و دارند، پس ا میدانیم را بوجود آورده که آنان به واقعیت کارایی بیشتر کار سیاسی و آگاهی بخشند در شرایط اجتماعی جامعه ما توجه نموده و نزدیکتر شده اند.

نکته بسیار مهمی که قبل از شرح تاکتیکهای پیشبرنده خط مشی آگاهی باید عنوان نمائیم آن است که ما نباید خلق خود را در آمیدهای واهی نگاه داریم، بلکه باید با ارائه ایده های واقعی و حقیقی به انتخاب تاکتیکهایی بپردازیم که به حقانیت مبارزه ما و خلقمان را برای جهان نیانته برسمیت بشناساند، موجب ارتقاء آگاهی سیاسی و هدایت آنان و جهت بخشیدن به حرکت توده ها شده و از همه مهمتر آنکه واقعی، عینی، عملی و در سطح ککش توده ها باشد یعنی مورد پذیرش آنها واقع شده تا امکان بسیج و سازماندهی خود و تشکل اقسا ر تعیین کنند و تحقق عملی آنرا فراهم آورد. انتخاب و گزینش تاکتیکهایی که با سطح آمادگی های مردم هماهنگ نبوده و امکان تحقق نداشته باشد نه تنها ما را به اهداف خود نزدیک نمیسازد، بلکه از آن دورتر و دورتر میسازد.

* دارا بودن تمامی اشکال مبارزه مخفی - نیمه مخفی و علنی
 * از نزدیک در تماس بودن با توده ها و نظرات آنان را منعکس ساختن و شکل بخشیده به آن تظاهرات و.....

دوستان آگاه و انقلابی
 خصم ضد خلق همواره از مکانیسم ساده شناخت توده ها استفاده کرده و پایه های حکومتی خویش را استحکام بخشیده است. انتخاب تاکتیکهای متناسب با هر مرحله مبارزاتی و هر شرایط زمانی و مکانی نقش بسزای تبدیل عوامل انحطاط، رکود و سقوط اجتماعی بصورت عوامل متحرک و سازنده و پیشبردن خلاقیت همه نیروهای اجتماعی بطرف سازندگی و پیشرفت مبارزه برعهده دارد، بنابراین باید که تلاش نمائیم تا توانائیهایمان در روند مبارزه - امان بر علیه ارتجاع و امپریالیسم بیشتر و از میزان نارسائیهایمان کاسته شود. باید توجه داشته باشیم که گزینش خط مشی سیاسی آگاه گرایانه نافی سایر خط مشی ها نیست. لیکن اصالت هر کدام از آنان به چگونگی شرایط اجتماعی، عینتها و ذهنیتها و ذهنیتهای جامعه امان بستگی دارد. در حال حاضر اعمال تاکتیکهای سیاسی از سوی سازمانها و جریانهایی که به خط مشی نظامی اعتقاد داشته و دارند، بس امیدواری را بوجود آورده که آنان بواقعیت کارایی بیشتر کار سیاسی و آگاهی بخشانه در شرایط اجتماعی جامعه ما توجه نموده و نزدیکتر شده اند.

دوستان، کار نیروی انقلابی فقط رهبری مردم در شرایط برانگیخته شده آنان جهت مبارزه نیست، بلکه نیروی انقلابی وظیفه دارد که هنر بحرکت در آوردن قدرت توده ها و ایجاد جنبش انقلابی و رهبری آنرا دارا باشد. هنری که بتواند رنگ سکون و سکوت، رخوت و سستی را از جامعه بزدا ید و آهنگ مبارزه و نبرد را بنوازد. این امر مستلزم فعالیت متشکل و انسجام یافته سراسری نیروهای انقلابی در جاهایی که مردم حضور دارند و جلب آنان بسوی خود و دارا بودن تمام اشکال مبارزاتی و دانستن نحوه استفاده از این اشکال و روشها میباشد. □

"موفق و پیروز باشید"

★
 گرمای باد

خاطره قدیم مردمی

سی تیر!

و اما تاکتیکهایی که موجب پیشبرد خط مشی سیاسی و آگاهی بخش میگرددند:
 کار سیاسی و آگاه گرایانه از طریق:
 * ایجاد حزب، سازمان و تشکیلاتی که تحت آموزش ایدئولوژی انقلابی بوده و افراد خود را از نظر ذهنی در مبارزه با آموزشهای خلاق ایدئولوژیک مبارزاتی مسلح نماید. این روند در حرکت ما با ایجاد یک رنسانس ایدئولوژیک و تدوین تئوری، طرح و تبیین تضاد بنیادین زیربنایی با ارتجاع و نفی اصولی بنیادهای منبع (قرآن و سنت) بینش و تضادها در محوره های منبع (قرآن و سنت) بینش و ابزار با آنان، تدوین تکیه بر اسلام انقلابی به مثابه ایدئولوژی نجات دهنده انسانها، تبلیغ ایدئولوژیکی متکی بر بنیادهای فکری معلوم شریعتی و... همراه است.

* شکل نیروهای پیشگام و استحکام بخشیدن به صفوف نیروهای انقلابی که در گام نخست در رابطه با نیروها و هواداران و راهیان معلم مطرح میباشد.
 * تبلیغات جهت آگاهی توده ها

* اعتصاب
 * تظاهرات و میتینگ، شورش و درگیری که در گام نخست در ایران با ایجاد راهپیمایی و تظاهرات ضد جنگ باید همراه باشد.

* چاپ و پخش نشریه، جزوات، اعلامیه، تراکت.
 * ایجاد تشکلات صنفی.

* استفاده از تمامی روشهای مبارزاتی
 * ایجاد سازماندهی سراسری، ایجاد و تشکل هسته های مبارزاتی و ارتباط و هماهنگی میان آنان.

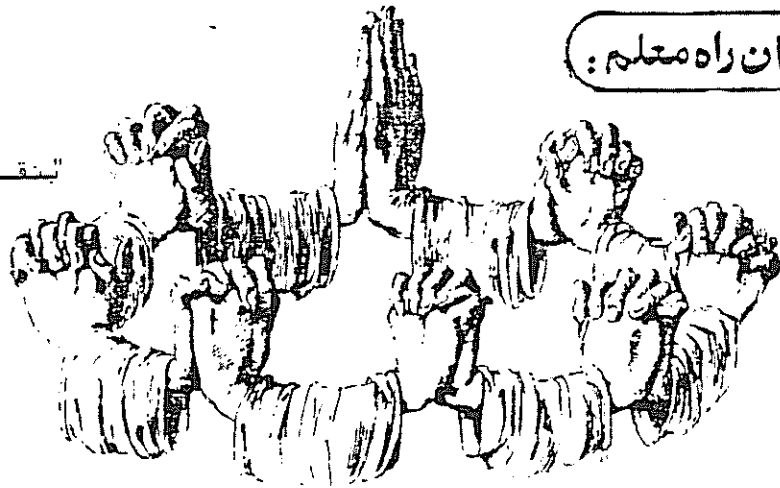
* فعالیت در کارخانه ها، مدارس، دانش - گاهها و شهرهای سیاسی و اقتصادی.

کار نیروی انقلابی فقط رهبری مردم در شرایط برانگیخته شده آنان جهت مبارزه نیست، بلکه نیروی انقلابی وظیفه دارد که هنر بحرکت در آوردن قدرت توده ها و ایجاد جنبش انقلابی و رهبری آنرا دارا باشد. هنری که بتواند رنگ سکون و سکوت و رخوت و سستی را از جامعه بزدا ید و آهنگ مبارزه و نبرد را بنوازد. این امر مستلزم فعالیت متشکل و انسجام یافته سراسری نیروهای انقلابی در جاهایی که مردم حضور دارند و جلب آنان بسوی خود و بکار بردن تمام اشکال مبارزاتی و دانستن نحوه استفاده از این اشکال و روشها میباشد.

* ایجاد کانونهای انقلابی.
 * طرح شعارهای هماهنگ با هر مرحله از مبارزه.

* تربیت سیاسی توده ها و پرورش و ارتقاء فکر آنان، بسیج و سازماندهی سراسری، سازماندهی سراسری خلق. باید توجه داشته باشیم تاکتیک های ما باید در جهت ارتقاء آگاهی سیاسی توده ها و سازماندهی آنان واقع شود. یعنی زمینه های تربیت و بسیج آنان را فراهم ساخته و آنها را متقاعد سازد که باید با انفجار بشکله با روت خود، قدرت سیاسی را تسخیر و انقلاب را تحقق بخشند. همچنین در رابطه با بسیج و سازماندهی سراسری خلق، این امر عملاً با بسیج و سازماندهی اقشار آگاهتر و آماده تر آن آغاز میگردد.

ستون ویژه پیروان راه معلم:



"بِنَقْلِ اَزْ خَرُوشِ مَوْحِدِ"

اخبار از
کانون
جنبش

سازشها و مماشات آنان و بیدران تاریخی شان به قدرتهای حاکم میباید تا بود نماید.

* بدنبال بخشنامه دولت مبنی بر اجاره دادن به بخش تعاونی جهت خروج از زیر پوشش نهادهای دولتی و پیوستن به بخش خصوصی اطلاع یافتیم که بعلمت رشد نارضایتیهای بسیار، دولت در برنامه ریزیهای خود در آخر سال ۶۳ این مسئله را ملغی نموده است.

* طبق اظهار چند شهود عینی در جریان تصویب قانون اراضی مزروعی در مجلس که جوی شدیداً بنفع فئودالها داشته است، یکی از نمایندگان خوزستان (فئواد کریمی) که دارای افکار رفرمیستی است در اواسط مباحث برخاسته و فریاد میزند اینجا مجلس فئودال-لهاست که با هیاهوی اطرافیان در جای خود مینشیند.

* استاندار خوزستان ضمن اشاره به بازگشت سریع و غیرمترقبه فئودالها و خوانین به منطقه مزبور در یک مصاحبه از این مسئله بعنوان یک فاجعه بزرگ برای مسئولین مربوط نام میبرد و عنوان کرده است که چرا مسئولین قضایی خودآخامه یا ناخودآگاه بدفاع از آنان پرداخته اند.

* عشایر دلیر خوزستان بدنبال توهینهای روزنامه اطلاعات به خلق عرب در چند نقطه ایران و بویژه اهواز تظاهراتی علیه جنگ و رژیم برپا نمودند، که متعاقب آن چند تظاهرات محدود و فرمایشی توسط عمال فریب-خورده در همان مناطق صورت میگیرد که در مطبوعات و رادیو تلویزیون رژیم انعکاس مییابد در این رابطه عدهای را نیز باصطلاح بیدار شخصیتهای مملکتی میبرند تا از این سو نیز جوی علیه تظاهرات و مخالفتهای مردمی و بنفع تظاهرات فرمایشی و حمایتهای اظهار شده دروغین بوجود آورند.

* عجب شیر: از دفتر کار امام جمعیه زنجان علی اکبر فصیحی که در مدخل ساختمان سپاه این شهر واقع است در تاریخ بهمن ماه ۶۳، مبلغی در حدود ۲ میلیون تومان بسرقت رفته است کارشناس اداره آگاهی تبریز که برای بررسی سرقت رفته بود اظهار میدارد که سرقت نمیتواند کار افراد غیرخودی باشد زیرا دفتر در درون سپاه واقع شده است. در این

* بدسال اوگیری فعالیت هواداران خط معلم و تبلیغات نیمه مخفی موجدین در نیمه دوم سال ۶۳ رژیم مرتجعین به اقدامات جدید و گستردهای جهت دستگیری هواداران خط معلم زده است که در همین رابطه عدهای در شهرهای تهران، تبریز، اصفهان، شیراز، اهواز، همدان، بوشهر، و چند شهر شمال دستگیر و زندانی شدند.

* بدنبال افزایش سیر دستگیری هواداران خط معلم شریعتی و آزاداندیشان مردمی، رژیم ارتجاعی اقدام به دستگیری بخش دیگری از هواداران اسلام راستی و انقلابی در شهرهای برازجان، خوی و قم نموده است.

* حماسه سیزده آبان ارتجاع را در هراس عمیق از رشد جنبش تودهها فرو برده و موجب شده تا آنان تمامی افراد دستگیر شده مشکوک را بعنوان عامل جریان سیزده آبان و یگان طرفدار سلطنت طلبها مورد ضرب و شتم قرار دهند در همین رابطه فردی را در اواسط اردیبهشت ماه سال جاری دستگیر و بعد از گزارشات عناصر تواب در درون زندان اعدام مینمایند. در حالی که چندی بعد متوجه میشوند که فرد مزبور اشتباها اعدام شده است در این رابطه به منظور توجیه و قدردانی از دوستان و خانواده مقتول مجلسی را برای بزرگداشت وی که حال نام شهید یافته است، برگزار می نمایند.

* به قرار اطلاع اداره آگاهی تهران گشتهایی را که متشکل از اتومبیلهای سیاه رنگ میباشد جهت شناسایی نیروها و عناصر سیاسی مخالف و کنترل آنان در شهرهای مهم ایران و عمدتاً تهران تشکیل داده است.

هشدار:
رژیم ورشکسته خمینی برای جبران کسری بودجه خود دست بهر دستاویزی میزند. در جدیدترین این ترفندها رژیم به استخراج تمامی اسناد بایگانیهای کشور زده است تا باصطلاح با تصفیه آنها بقیه را بعنوان اوراق باطله که صدها تن خواهد شد بفروش برساند بدین ترتیب ما هشدار میدهیم که ارتجاع قصد دارد در این تصفیه تمامی اوراق و اسناد تاریخی را که بنفع رژیم ارتجاعی نبوده و افشاگر گذشته خیانتبار و

بمناسبت سالگرد درگذشت شاعر انقلابی "فرخی یزدی"

گزیده‌ای از غزلیات

ز انقلابی سخت جاری سیل خون باید نمود
وین بنای سستی را سرنگون باید نمود
از برای نشر آزادی زبان باید گشاد
ارتجاعیون عالم را زیمنون باید نمود
تا که در نوع بشر گردد تساوی برقرار
سعی در الغاء القاب و ثنون باید نمود
ثروت آنکس که میباشد فزون باید گرفت
و آنکه کم از دیگران دارد فزون باید نمود
صلح کل چون مستقر شد جارج از جمع لغات
اصطلاح توپ و شمشیر و قشون باید نمود
پاک تا سطح زمین گردد "نایکان حبیب"
ز انقلابی سخت جاری سیل خون باید نمود

بقیه از صفحه ۱۷

* بدنبال تشدید تضادهای وزیر آموزش عالی "فاضل" و موسسه آموزشی دانشگاه تهران با انجمن اسلامی و جهاد دانشگاهی، چندی پیش انجمن اسلامی دانشگاه خواستار اخراج یکی از افراد موسسه آموزشی گردید. که از طرف رئیس دانشگاه به آن وقتی نهاده نمیشود. پرسنل اداری و آموزشی این واحد نیز با صادر نمودن بیانیه‌ای حمایت خود را از رئیس دانشگاه اعلام مینماید. انجمن اسلامی نیز عنوان میکند تا ۱۴ اردیبهشت افرادی که زیر بیانیه را امضاء نکرده‌اند اسامی خود را اعلام کرده تا انجمن تکلیف خود را بنا بقیه تعیین نماید. اما بعلمت عدم حمایت مقامات رسمی از این تلاشهای انجمن اسلامی این نهاد مجبور شد تا مسئله را مسکوت گذارد. همچنین مدتی پیش وزیر آموزش عالی طی مصاحبه‌ای با کیهان عمل انجمن اسلامی را بچه‌گانه و خودسرانه خواند. انجمن اسلامی نیز طی یادداشتی به کیهان خواستار تشکیل دادگاهی جهت محاکمه وزیر مزبور شده است. □

رابطه بین سپاه و امام جمعه اختلاف میافتد و آنها یکدیگر را متهم بسرقت میکنند و امام جمعه برای اعتراض ۳ هفته نماز جمعه را نمیخواند ولی بالاخره بعد از کشمکشهای بسیار خواندن نماز جمعه را از سر میگیرد. * بندرانزلی: چندی پیش شاهد کشف اختلاسی بالغ بر ۸۵ میلیون تومان از موسسه صدور پروانه اسلحه‌های شکاری بود. در این رابطه موسسه مزبور تعطیل و جریان امر با پرده - پوشی ظاهری توسط مقامات قضایی تحت پیگرد قرار گرفته است. * بنا بر حکم شورای عالی قضایی و در روند قدرت یابی بیشتر بخش خصوصی، "قاضی" سرپرست ستاد پشتیبانی تعاونیهای سراسر کشور دستگیر و راهی زندان گردید. * در تداوم جابجایی مهره‌های نالایق ارتجاع از یک استان به استان دیگر، اطلاع یافتیم که استاندار زنجان تعویض شده و فردی بنام شادنوش با تمامی دم و دستگاهش به این استان عزیمت نموده تا از افشاء اقدامات مفتضحانه‌اش در استان چهارمحال بختیاری که در قبل سمت استانداری آنرا داشت جلوگیری بعمل آورد.

خلق کرد را در متن نبرد آزادیبخش - آگاهیبخش کنونی روشن کرده و سمت و سو دهد. و در غیر اینصورت اراده و خواست زحمتکشان انقلابی کردستان، که پایان بخشیدن بهر گونه جنگ داخلی جهت تداوم مبارزه اصولی برای کسب خودمختاری و دمکراسی است، باید که توسط خود ایشان و با دخالت مستقیم و فعالانه شان برای تحت فشار قرار دادن این دوجریان نمایندگی شود. باشد تا یکبار دگر، توده‌ها اراده سازمانهای پیشروشان را مسخراراده خویش سازند، زمانیکه این پیشروان در تشخیص منافع خلق و انقلاب‌کنندبین میشوند!

و این آزمایش‌دیگری در برابر جنبش انقلابی ماست. چه تا زمانیکه یک انقلاب نتواند تضادهای درونی خویش را در جهت مقابله با تضاد اصلی یعنی ضدانقلاب حاکم، سمت و سوق دهد و نیروی خویش را برای مبارزه با آن متمرکز و متحد کند، قد راست نمیتواند کرد و دیکتاتوری استعماری کنونی بر همین ناتوانی است که حکومت میکند و با همیسن جبهه‌گشائیهای کاذب است که جبهه اصلی نبرد را تضعیف مینماید.

پس بیاییم با تشخیص درست جبهه نامتحد ارتجاع حاکم که تنها فعل مشترکش سرکوب و قتل عام نیروهای انقلابی است، جبهه انقلاب را که بنیاد استوارش مقابله با رژیم ارتجاعی حاکم است، هرچه متحدتر استوار کنیم.

آتش بس امروز دو نیروی جبهه انقلاب را، به آتشبار خصم ارتجاعی حاکم بدل سازیم. و چنین باد!

" پیروز باد جنبش ملی - دمکراتیک خلق کرد برای
 برای کسب خودمختاری و دمکراسی "
 " سرنگون باد دیکتاتوری استعماری حاکم "
 " برقرار باد دمکراسی شورایی فردا "

" دانشجویان ارشاد "

۶۴/۵/۴

پاورقی ها

=====

۱- پلنوم کمیته مرکزی کومه له صفحه

۰۹

۲- به اعتقاد ما، درعین حال که برخورد مسئولانه و فعال گروههای سیاسی، جهت پایان بخشیدن به جنگ داخلی کردستان ضروری مینماید و در این رابطه از کمیته‌های اتحاد عمل پشتیبانی نموده و در آن شرکت خواهیم داشت اما معتقدیم، تنها تضمین پایدار عدم تکرار چنین فاجعهای حضور و مداخله فعالانه خلق زحمتکش کردستان است.

وحدت عمل نیروهای مستقل در جبهه مشترک آزادیبخش
 ضرورت مرحله آگاهیبخش کنونی است.



در حاشیه خبرها...

پشت ها به کشتا رخلق فلسطین :

بدنبال پایان پذیرفتن هواپیما ربا ئی لبنان و آزاد شدن مسافران آمریکا ئی ، خبر- گذار ربهای جهان اعلام نمودند که حافظ اسد و نیبه بری برندگان بلا شرط این ماجرا بودند . حافظ اسد برنده اول بخاطر اینکه توانست بلا پادرمیانی و دستور به تحت الحما به خود نبی - بری ، رهبر سا زمان امل ، گروگانها را آزاد نماید و تصویر خشن و " تروریست پروری " را که غرب از او در افکار جهانی اراغه داده بود ، مبدل به سیمایی میانه رو ، " متبسم و آزادی خواه " نماید ، و با این عمل خود را بیش از گذشته به غرب و بویژه آمریکا نزدیک تر سازد ، و دیدیم که بعنوان پادشاه چگونه روسالدریگان در لیست سمیاه ۵ کشور تروریست پروری که اراغه داد از سوریه نامی نبرد .

نیبه بری برنده دوم ، برای اینکه توانست با میانجیگری در نزد نیروهای حزب الله (ا) بیروت ، مسئله را حل کند و در عین حال موفق به آزاد کردن مسلمانهایی شود که در اسارت اسرائیل قرار داشتند .

ریگان نیز برنده سوم نامیده شد ، چرا که توانست با اتخاذ یک موضع محکم و وفادار ماندن بدصول حاکم بر سیاست خارجی آمریکا دایر به " عدم مذاکره با تروریست ها " و فرستادن ناوگان خود در شرق مدیترانه گروگانهای آمریکایی را نجات دهد .

و در آخر اسرائیل با زنده این خیمه شب بازی اعلام شد . چون چیزی عایدش نشد و تازه مجبور شد سیدیا چهار صد لبانی را نیز آزاد کند .

اما فراسوی این نمایش مضحک و در عین حال غمانگیز ، افکار مسئول بین الملل میدانست که نه تنها اسرائیل با زنده این ماجرا نبود ، بلکه درست برعکس برنده اول آن نیز بود . در هفته های گذشته قبل از وقوع حادثه هواپیما ربا ئی تمام دوربین ها و بلندگوها متوجه صیرا و شتیلا بوده همه میدیدند و میشنیدند که چگونه خلق فلسطین توسط نیروهای اسرائیل ، با همیاری سوریه

به قتل عام کشیده میشوند . یا سر عرفات رهبر سافت که در هر حالتی تبسم دیپلماتیک خود را قطع نمیکرد ، اینبار با افسردگی فراوانی در مقابل تلویزیون قرار گرفت و گفت " همه خلق فلسطین رامیکشند . ما را مثل موش در هر جا میکشند " و این واقعیت اندوهناک ریست که بر حیات خلق مقاوم فلسطین حاکم است . به هر تقدیر برای سوریه مسبب اصلی کشتار اخیر فلسطینی ها و نیروهای اسل از یسکو و آمریکا و اسرائیل برندگان اصلی این کشتار از سوی دیگر بریائی یک حادثه انحرافی ضروری مینمود . و بدین ترتیب بود که دوربین ها و میکروفن ها از صیرا و شتیلا خارج و بطرف مسئله هواپیما ربا ئی منحرف شد ، تا جایگاه شهادت و مظلومیت این خلق ستم دیده به آشک تمساح ریزی و دلسوزی برچسب مسافروا پیما ی آمریکا ئی مبدل شود . در این جا است که باید قبول کنیم که طی ماجرای هواپیما ربا ئی بیروت نه سه برنده و یک بازنده بلکه چهار برنده و یک قربانی برجای ماند .

* در پی هماهنگی مواضع رژیم ارتجاعی ایران با اقدامات جاه طلبانه و خائفانه رژیم حاکم بر سوریه جهت حمله به اردوگاههای صیرا و شتیلا و برج البراجنه و کسب قدرت بیشتر در لبنان با خلق سلاح فلسطینیان ، مرتجعین در ایران اقدام به جلوگیری از نشر اخبار خبرگزاری فلسطین " وفا " در ایران کرده اند . بنا بر این اقدام بولتنهای خبری وفا در سفارت آزادی بخش دیگر چاپ و منتشر نخواهند شد . ما ضمن محکوم کردن اقدام سوریه در لبنان اقدام رژیم ارتجاعی ایران را نیز که در پی محدود نمودن هر چه بیشتر سافت در تهران است ، محکوم مینمائیم و عنوان میکنیم برغم تمام مسمی این تلاشهای مذبحخانه ، انقلاب تا پیروزی ادامه دارد .

* رژیم مرتجعین پس از نقض استقلال نمایندگان سازمان آزادی بخش فلسطین در سفارتخانه این کشور در تهران ، ناچار به عقب نشینی نسبت به اقدام ضد خلقی خود در رابطه با برقراری ممنوعیت انتشار بولتن های وفا گردید ، بولتن وفا پس از ۲۵ روز توقیف با محدودیت های اجازت انتشار یافت . □

<p>آدرس برای مکاتبه و آبونمان</p> <ul style="list-style-type: none"> ● khandagh ● B.P 135 ● 94 004 ● creteil-cedex ● France <p>ERCHAD'S STUDENTS</p>	<p>برای کمک مالی و وجوه نشریات</p> <p>حساب بانکی</p> <ul style="list-style-type: none"> ● B.N.P 30004 ● khandagh <p>شماره N° 01256551</p> <p>کیشه Code: 00892</p> <ul style="list-style-type: none"> ● Ag.Kleber ● Paris. France
---	--